



DOI: <https://doi.org/10.22034/isqs.2026.52799.2436>
Print ISSN: X2588-414
Online ISSN: X2783-5081
Pages: 48-93

Received: 4.9.2025
Accepted: 21.12.2025

Original Research

Abraha, Reassessing Traditional Sources in Light of Inscriptions Attributed to Him

Mohammad Ali Khavanin Zadeh ¹

Assistant Professor, Department of Qur'ān and Ḥadīth
Studies, Kharazmi University, Tehran/ Karaj, Iran.

Introduction

Abraha is the most well-known king of Ḥimyar, whose fame is largely associated with accounts of his military expedition against Mecca with an army that included war elephants, allegedly aimed at destroying the Ka'ba. This event, known as the “Year of the Elephant,” coincided with the birth of the Prophet Muḥammad, according to some traditions. Beyond Muslim historians, Qur'ānic exegetes have also addressed this event in their commentaries on Q 105. Given that Islamic sources discussing Abraha—especially the Year of the Elephant—are chronologically distant from his time, modern scholarship has raised doubts regarding the historicity and nature of this event.

Research background

These doubts include practical questions such as how African elephants could have traversed the roughly 800-kilometer route from Yemen to Mecca across arid deserts, and why contemporary non-Islamic sources make no explicit mention of Mecca or such a significant event. Despite

¹ alikhavanin@khu.ac.ir

these suspicions, Abraha is attested in pre-Islamic, contemporaneous historical sources, and archaeological excavations have uncovered 10 inscriptions attributed to him. No other pre-Islamic Arabian figure is documented through such a diverse and precise body of evidence. The central research problem of this study is therefore to determine the historical reality of Abraha, the geographical extent of his rule, his religious orientation, and whether his alleged campaign against Mecca can be considered historical.

Research method

To address these questions, the study first reviews contemporaneous historical sources, followed by an examination of epigraphic and archaeological evidence. By presenting and analyzing the most significant data derived from these sources, the article aims to provide a basis for reinterpreting and reassessing traditional narratives in light of epigraphic and archaeological findings. Of the 10 known inscriptions attributed to Abraha, nine explicitly mention him by name, while one dated inscription lacks the royal name. Four inscriptions were explicitly commissioned by the king himself and are dated, and two others were most likely issued under his authority. For the sake of brevity, the article presents translations of the most important passages from each inscription in chronological order. In addition, archaeological evidence such as 38 rock drawings of cavalymen at Murayghān and four elephant graffiti at Ḥimā—potentially linked to Abraha's military campaigns—is examined to contextualize the historical events mentioned in the inscriptions.

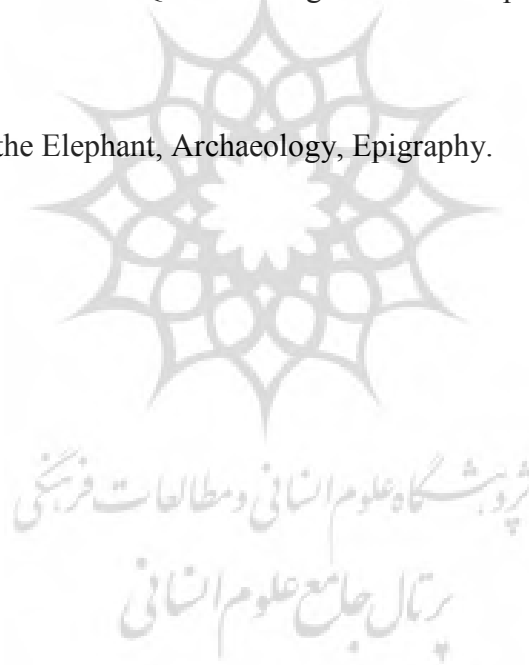
Result

The combined epigraphic and archaeological evidence reviewed in this study clearly establishes, first and foremost, the historicity of Abraha: A Christian king of Ḥimyar of Aksumite origin, who in his official titlature aligned himself with earlier Ḥimyarite kings and recorded the major events of his reign in Sabaic inscriptions, following established Ḥimyarite royal conventions. These events include the destruction and restoration of parts of the Ma'rib Dam (Inscriptions 1, 2, and 9); the suppression of foreign invasion from Aksum and internal rebellions (Inscription 2); a moderate religious orientation—characterized by a minimalist Christology—aimed at internal cohesion and the inclusion of Jewish elites and communities (Inscriptions 1, 2, and 3); the organization of an international political assembly to secure the support of Byzantium and Iran and to stabilize Arabia's borders with these empires (Inscription 2); multiple military campaigns that expanded his authority across nearly the entire Arabian Peninsula, from the eastern shores of the Persian Gulf to Najd in central Arabia, Ḥijāz in the west, and as far as the Gulf of 'Aqaba in the northwest (Inscriptions 3–7; rock drawings of cavalymen at Murayghān); the construction of the Great Church of Ṣan'ā' (al-Qalīs) to attract Christian support both within and beyond Arabia, including Aksum and Byzantium (Inscription 10); and the reform of the Ḥimyarite lunar calendar to align it with the Christian solar calendar (Inscription 1).

Regarding Abraha's alleged expedition against Mecca following the construction of al-Qalīs and his intention to make it the central pilgrimage site for the Arabs, the currently available evidence remains insufficient. Although Yathrib in Ḥijāz is listed among the regions that submitted to Abraha and pledged allegiance to him (Inscription 5), there is no explicit reference to a campaign against Mecca aimed at destroying the Ka'ba. The mention of elephants in Inscription 8 constitutes important evidence that elephants could indeed have been used as war animals in Abraha's army; however, the elephant graffiti at Ḥimā may be related to campaigns toward Najd, and it is unclear whether elephant army advanced beyond Ḥimā itself. Nonetheless, Abraha's death and the rapid collapse of the Ḥimyarite kingdom after him could plausibly be interpreted as consequences of a disastrous military campaign against Mecca. Alternatively, reports of the Justinianic Plague (541–549), which historical sources indicate reached Yemen around 547 during the restoration of the Ma'rib Dam (Inscription 2), or the outbreak of diseases such as typhoid or cholera in Mecca—mentioned in Islamic sources alongside accounts of Abraha's death due to suppuration and bleeding—may have played a decisive role in the destruction of his army and his downfall, an event that Qur'ānic exegetes later interpreted as a divine miracle.

Keywords

Abraha, Ḥimyar, Year of the Elephant, Archaeology, Epigraphy.





DOI: <https://doi.org/10.22034/isqs.2026.52799.2436>

شاپای چاپی X2588-414

شاپای الکترونیکی X2783-5081

صفحات: ۹۳-۴۸

دریافت: ۱۴۰۴/۶/۱۳

پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۳۰

مقاله پژوهشی

ابرهه، بازخوانی منابع سنتی بر پایه کتیبه‌های منسوب به وی

محمدعلی خوانین‌زاده^۱ | استادیار، گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه خوارزمی، تهران/ کرج، ایران.

چکیده

ابرهه شناخته‌ترین پادشاه حَمِیر است که شهرت وی بیشتر با روایات لشکرکشی‌اش به مکه با هدف تخریب عبادتگاه کعبه با لشکری فیل سوار است. این رویداد به «عام الفیل» مشهور شده و طبق برخی روایات، پیامبر اسلام (ص) در همین سال به دنیا آمده است و افزون بر مورخان مسلمان، مفسران قرآن ذیل سوره الفیل بدان پرداخته‌اند. با توجه به اینکه منابع اسلامی متأخر از دوران ابرهه و به‌ویژه «عام الفیل» اند، در تاریخی بودن و چگونگی این رویداد تردیدهایی در دوران معاصر بوده است؛ از جمله بدین روی که چگونه فیل آفریقایی می‌توانسته مسیر حدود ۸۰۰ کیلومتری یمن به مکه را در بیابان خشک و سوزان بپیماید، یا اینکه چرا منابع غیراسلامی هم‌دوره شهر مکه یا این رویداد مهم را یاد نکرده‌اند. با وجود همه شبهه‌ها، ابرهه در منابع تاریخی پیشااسلامی هم‌دوره‌اش نیز یاد شده است و همچنین، در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناختی ۱۰ کتیبه منسوب به

¹ alikhavanin@khu.ac.ir

وی کشف شده، که در این میان چهار کتیبه به دستور شخص پادشاه نوشته شده‌اند؛ به گونه‌ای که برای هیچ شخصیت دیگری در عربستان پیش از اسلام چنین منابع متنوع و دقیقی در دست نیست. مسئله پژوهش این است که چنانچه ابرهه شخصیتی تاریخی بوده، حکومت وی تا کجا را در برمی‌گرفته، دیدگاه‌های دینی‌اش چه بوده، و آیا لشکرکشی وی به مکه تاریخی بوده است. برای پاسخ، پس از مرور منابع تاریخی هم‌دوره با وی، شواهد کتیبه‌شناختی و باستان‌شناختی بررسی می‌شوند و با ارائه مهم‌ترین داده‌های برآمده از این شواهد، زمینه بازخوانی منابع سنتی بر پایه این داده‌ها فراهم می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ابرهه، حمیر، عام‌الفیل، باستان‌شناسی، کتیبه‌شناسی.

۱. مقدمه

بازخوانی تاریخ بر پایه شواهد مادی بینش‌هایی تازه از وضعیت فرهنگی، سیاسی و دینی عربستان در دوران پایانی باستان^۱ فراهم می‌کند. از کاوش‌های باستان‌شناختی، که در میانه قرن نوزدهم م. در شبه‌جزیره عربستان انجام و از دهه ۱۹۷۰ م. از سر گرفته شده، شواهدی فراوان از حدود ۱۴۰۰ سال پیش از اسلام تا دهه‌های منتهی به ظهور اسلام کشف شده‌اند که تصور ما از عربستان پیشااسلامی را دگرگون می‌کنند. این یافته‌ها دامنه‌ای گسترده از شواهد مادی را در بر می‌گیرند؛ از بقایای بناهای ویران‌شده گرفته تا هزاران متن کتیبه‌ای که بر موادی بادوام همچون تخته‌سنگ، فلز یا دیواره‌های صخره‌ای حک شده‌اند. در مقایسه با منابع سنتی، شواهد مادی دست‌کم دو برتری دارند: نخست، منابع سنتی معمولاً متأخر از رویدادهایی‌اند که گزارش می‌کنند و از همین روی، غالباً متأثر از دیدگاه‌های متأخرتر نسبت به رویدادهای گذشته‌اند حال آنکه در شواهد مادی، به دلیل هم‌زمانی با رویداد، بازتابی واقع‌گرایانه‌تر می‌توان دید؛ دیگر، اینکه در بیشتر اوقات اصل متون سنتی در اختیار نیست بلکه تحریرهای شفاهی راویان نسل‌های بعدی یا رونوشت‌های متأخرتر آن‌ها به دست ما رسیده که ممکن است در فرآیند نقل شفاهی یا نسخه‌برداری دچار تغییر یا دست‌کاری — اعم از حذف یا اضافه، درج یا تلخیص، و مانند آن — شده باشند درحالی‌که شواهد مادی غالباً بی‌تغییر یا دست‌کاری در دسترس‌اند و از بافت تاریخی خود اطلاعاتی دست‌اول، هرچند مختصر، در اختیار می‌گذارند.

^۱ Late Antiquity. برای آگاهی بیشتر درباره این اصطلاح و پیوند آن با مطالعات اسلامی، ر.ک. آقای، خوانین‌زاده و مارکس، ۱۴۰۱.

ابرهه شناخته‌ترین پادشاه حمیر است که حدود ۳۰ سال فرمان راند و شهرت وی بیشتر با روایات لشکرکشی اش به مکه با هدف تخریب عبادتگاه کعبه با لشکری فیل سوار است. این رویداد به «عام الفیل» مشهور شده و طبق برخی روایات پیامبر اسلام (ص) در همین سال به دنیا آمده است و افزون بر مورخان مسلمان، مفسران قرآن ذیل سوره الفیل بدان پرداخته‌اند. هرچند در دوران معاصر به‌اجمال یا تفصیل به ابرهه در منابع فارسی و عربی پرداخته شده (برای نمونه، ر.ک. جواد علی، ۱۳۹۱ق: ۳/۴۸۰ به بعد؛ برگ نیسی، ۱۳۶۸)، در آغاز لازم است آنچه در منابع عربی و اسلامی درباره ابرهه آمده مرور شود؛ سپس، با طرح مسئله پژوهش، شواهدی مادی که امروزه در دسترس‌اند و در منابع پیشین کمتر بدان‌ها توجه شده، یا اساساً در دسترس نبوده‌اند، برای ارزیابی منابع سنتی به‌اجمال بررسی می‌شوند.^۱

۱-۱. ابرهه در منابع عربی و اسلامی

روایت مشهور منابع اسلامی درباره لشکرکشی ابرهه به مکه به‌طور خلاصه چنین است (ر.ک. ابن إسحاق، السیره النبویه: ۳۷/۱ به بعد. قس ازرقی، أخبار مکه: ۱/۲۰۸ به بعد؛ طبری، تفسیر: ۲۴/۶۳۵ به بعد):

رُزِعُهُ ذُو نُوَاسٍ، از پادشاهان حمیر، یهودی شد و حمیریان نیز با او همراه شدند؛ اما اهل نجران که مسیحی بودند به دین وی درنیامدند و وی آنان را در گودالی از آتش (أخدود) افکند. خبر که به قیصر روم رسید در نامه‌ای به نجاشی حبشه، که هم‌کیش آنان بود، دستور داد به یاری آنان بشتابد. نجاشی ارباط را به فرماندهی لشکری گماشت تا یمن را تصرف کند. ذو نواس در میانه نبرد سوار بر اسب در دریا غرق شد. مدتی بعد، ابرهه که از فرماندهان لشکر بود و بر بخشی از یمن فرمان می‌راند بر ارباط شورید. سرانجام توافق کردند با هم مبارزه تن‌به‌تن کنند و لشکریان هریک که از پای درآمد به دیگری بپیوندند. هنگام نبرد صورت ابرهه زخم خورد و از همین روی به وی اَشْرَم (صورت‌شکافته) می‌گویند. با کشتن ارباط، ابرهه بر یمن مسلط شد.

ابرهه بر یمن فرمان می‌راند تا اینکه کلیسایی به نام «قُلَیس» (یا قَلیس) را در صنعاء، کنار کاخ تاریخی عُمَدان، ساخت و به نجاشی نوشت: «برای تو کلیسایی بنا کرده‌ام که هیچ پادشاهی پیش‌تر مانند آن را نساخته، و از پای نمی‌نشینم تا حج‌گزاران عرب را بدین جا بکشانم». خبر ساخت کلیسا در میان عرب پیچید. مردانی از

^۱ در این مقاله مهم‌ترین یافته‌های کتیبه‌شناختی، که بیشتر آنها در سال‌های اخیر کشف شده‌اند، به‌اجمال بررسی می‌شود. بسیاری از این کتیبه‌ها و شواهد باستانی را کریستین ژولین روبن (مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه، CNRS) کشف کرده و خوانش و تفسیر آنها بیشتر متکی به دیدگاه‌های اوست. لازم است از وی سپاس بگذارم که تازه‌ترین یافته‌هایش و برخی از تصاویر را با گشاده‌دستی در اختیارم گذاشت. تفصیل مباحث در جای دیگری خواهد آمد.

بنی کنانه، که از نَسَاء (متصدیان اعلام زمان برپایی حج کعبه) بودند، به کلیسای ابرهه در صنعاء رفتند و آنجا را آلودند. ابرهه خشمگین شد و سوگند خورد معبد آنان در مکه را تخریب کند.

ابرهه با لشکری فیل سوار به سوی کعبه شتافت. خبر که به عرب رسید، تصمیم به رویارویی گرفتند. یکی از اشراف یمن به نام ذو نَفَر با گروهی از عرب برابر ابرهه صف‌آراستند اما ذو نفر شکست خورد و اسیر شد. ابرهه می‌خواست او را بکشد که گفت: «ای پادشاه!»^۱ مرا نکش. شاید همراهی من با تو بهتر از کشتنم باشد» و ابرهه، که مردی شکیب و پرهیزکار و نصرانی باورمند بود، از کشتنش دست کشید. هنگامی که ابرهه به سرزمین خَثَم (در شمال یمن در مسیر کاروان‌های به سمت حجاز) رسید، نُفیل بن حبیب همراه با گروهی از قبایل خثعم رویاروی ابرهه ایستادند اما آنان نیز شکست خوردند و نفیل اسیر شد. او نیز به ابرهه گفت: «ای پادشاه! مرا نکش؛ چرا که من راهنمای تو در سرزمین عرب هستم، و قبائل خثعم گوش به فرمان تو اند». ابرهه او را نیز بخشید و نفیل راه را نشان می‌داد تا به طائف رسیدند. آنجا مسعود بن مُعْتَب همراه با مردان ثقیف بر ابرهه وارد شدند و گفتند: «ای پادشاه! ما بنده تو و گوش به فرمان توایم، ما با تو اختلافی نداریم و معبد ما (اللات) آن معبدی نیست که تو در پی آنی، بلکه معبد مکه (الله) است، و ما راهنمایی همراه تو می‌فرستیم». ابرهه از آنان گذشت و أبو رِغَال را همراه وی فرستادند که راه مکه را به وی بنماید. به وادی مَغَمَس (دره‌ای در مکه) که رسیدند، أبو رِغَال درگذشت و عرب قبرش را از آن زمان رجم می‌کنند.

ابرهه در مَغَمَس که منزل نمود، مردی حبشی به نام اَسود بن مقصود را با لشکری اسب‌سوار به مکه فرستاد. او اموال اهل تَهامه، از قریش و دیگر قبائل، را تصرف کرد از جمله ۲۰۰ شتر از عبد المطلب پسر هاشم، که در آن هنگام سرور قریش بود. قریش و خُزاعه و کِنانه و هُذَیل و آنان که در حرم بودند خواستند اَسود را بکشند اما دانستند که در توانشان نیست. ابرهه حنَاطه حمیری را فرستاد تا سرور مکه را بیابد و این پیام، که «من به جنگ با شما نیامده‌ام بلکه برای تخریب این معبد آمده‌ام و اگر با من نجنگید نیازی نیست خون شما را بریزم»، را به وی برساند و اگر نمی‌خواهد بجنگد او را نزد ابرهه بیاورد. عبد المطلب در پاسخ گفت: «سوگند به الله که ما نمی‌خواهیم با او بجنگیم و توانش را نداریم؛ این معبد الله و دوستش ابراهیم است و خودش باید از آن حفاظت کند». حنَاطه او را نزد ابرهه برد. ابرهه، با وساطت ذو نفر و اُنیس، فیلبان ابرهه، عبد المطلب را به حضور پذیرفت و پس از آنکه خواسته‌اش را گفت، پاسخ داد: «درباره ۲۰۰ شتر که از تو ستانده‌ام سخن می‌گویی اما معبدی که دین تو و پدرانت است و آمده‌ام که ویرانش کنم را رها می‌کنی؟» عبد المطلب پاسخ داد: «من صاحب شتران خودم هستم و این معبد نیز خداوندی دارد که حفاظتش خواهد کرد». ابرهه گفت: «از من حفاظتش نمی‌کند»، و شتران را به عبد المطلب بازگرداند.

^۱ أَيْهَا الْمَلِك!

عبد المطلب نزد قریش بازگشت و آنان را به خروج از مکه و پناه بردن به کوهستان‌ها فراخواند. صبحگاه لشکر ابرهه مهیای ورود به مکه شدند و ابرهه فیلس را، که محمود نام داشت، آماده کرد. نفیل بن حبیب نزد فیل رفت و در گوشش زمزمه کرد: «ای محمود بنشین، یا از همان جایی که آمده‌ای بازگرد؛ چراکه تو در شهر مقدس الله هستی». آنگاه فیل نشست، و هرچه کردند برنخاست. روی فیل را که به یمن، شام و مشرق می‌کردند برمی‌خاست و می‌دوید، اما رویش را که به مکه می‌کردند می‌نشست. خدا پرنده‌گانی را که همچون پرستو و سار بودند از دریا فرستاد؛ هر پرنده سه سنگ، بر منقار و دو پایش، برگرفته بود که چونان عدس و نخود بودند. سنگ بر سر هرکس می‌افتاد او را می‌کشت. لشکریان فرار کردند و سراغ نفیل را می‌گرفتند تا راه یمن را بدیشان بنماید. ابرهه بیمار شد و همراه لشکریان از مکه خارج شد درحالی‌که سرانگشتانش بندبند می‌افتاد و خون و چرک می‌ریخت، به صنعاء رسیدند درحالی‌که ابرهه همچون جوجه پرنده شده بود، تا اینکه سینه‌اش شکافت و قلبش بیرون افتاد. نخستین باری که در سرزمین عرب حصه و آبله دیده شد همان سال بود. پس از این رویداد بود که عرب قریش را گرمی داشتند و آنان را «أهل الله» خواندند.

هرچند این روایت در منابع پس از قرن دوم تثبیت و تکرار شده، مقاتل بن سلیمان (د. ۱۵۰) روایتی متفاوت دارد. وی از دو لشکرکشی برابر مکه یاد می‌کند: نخستین بار أبو یُکسوم بن ابرهه با لشکری بزرگ به تخریب کعبه و جایگزینی فیل برای پرستش در آنجا همت گماشت، اما فیل از حرکت بازایستاد و هرچه کردند برنخاست تا اینکه منصرف شدند و بازگشتند. لشکرکشی دوم یک یا دو سال پس از آن بود، بدین روی که گروهی از بازرگانان قریش در سرزمین نجاشی نزدیک کلیسایی که آن را «هیکل» می‌خواندند اقامت کردند و برای کباب کردن گوشت آتشی روشن کردند اما هنگام رفتن آن را خاموش نکردند، در پی طوفان و وزش باد کلیسا آتش گرفت؛ نجاشی خشمگین شد و تصمیم به تخریب کعبه گرفت و به أسود بن مقصود فرمان داد لشکری بزرگ همراه با فیل محمود فراهم آورد و فرماندهی لشکر را به سه نفر از امیران عرب، حُجر بن شرحبیل، أبو یکسوم کندی و ابرهه بن صَبَّاح، سپرد. در مکه، آنان عبد المطلب را به حضور پذیرفتند و شترانش را به او بازگرداندند. سپس، معجزه پرنده‌گان رخ داد که لشکر را نابود کرد (ر.ک. مقاتل بن سلیمان، تفسیر: ۸۴۷/۴ به بعد). روایت مقاتل بن سلیمان، هرچند در نام ابرهه و پسرش و شخصیت‌هایی دیگر آشفته است، کمابیش همان عناصر روایت ابن اسحاق (د. ۱۵۰) را دربردارد، اما به گونه‌ای متفاوت سامان یافته است. از آنجاکه مقاتل و ابن اسحاق هم‌دوره بوده‌اند، می‌توان این دو را دو روایت موازی، و روایت رسمی که از ابن اسحاق به بعد پدید آمده را احتمالاً ترکیبی از روایات پراکنده در روایتی واحد دانست (برای مقایسه گونه‌های مختلف این روایات، ر.ک. de Prémare, 2000؛ Kister, 1972: 64-76). با توجه به اینکه نام پسر بزرگ ابرهه یکسوم،

و در نتیجه کنیه ابرهه ابو یکسوم بوده، احتمالاً در ماجرای نخست که مقاتل یاد کرده یک «بن» میان ابو یکسوم و ابرهه به دست نسخه‌برداران افزوده شده است؛ اما ابرهه بن صباح در ماجرای دوم مقاتل، که در منابع اسلامی نیز به عنوان نسب پادشاه ابرهه یاد شده، می‌تواند اشاره به خاندان بنو اَصْبَح (هصبح در سبئی) داشته باشد که ابرهه از تبار آنان است (ر.ک. Robin, 2018: 1325-1326). سرانجام، می‌توان افزوده طبری (تفسیر: ۲۴/۶۳۶) به روایت مشهور را در تقویت انگیزه ابرهه برای تخریب کعبه دید:

در این هنگام [که خبر آلودن قلیس به دست مردانی از بنی کنانه به ابرهه رسید] کسانی از عرب از جمله محمد بن خزاعی نزد ابرهه بودند؛ ابرهه بر وی تاج گذاشت و او را امیر مُضَر کرد^۱ و فرمان داد که به میان مردم برود و آنان را به حج قلیس فراخواند. محمد به سرزمین بنی کنانه که رسید، خبر امارت او و مأموریتش به اهل تهامه رسیده بود و شخصی از بنی هذیل او را با تیری کشت. خبر که به ابرهه رسید، خشمگین تر شد و سوگند یاد کرد که با بنی کنانه بجنگد و حرم کعبه را ویران سازد.

ماجرای لشکرکشی ابرهه با لشکری فیل سوار به مکه در برخی اشعار عربی منسوب به پیش از اسلام نیز یاد شده است (ر.ک. Rubin, 2011: IX/5-6. برای آگاهی بیشتر و نقد اصالت آن‌ها، ر.ک. Robin, 2018: 1332-1336).

ناگفته نماند در کنار تفسیر مشهور، که شکست لشکریان ابرهه را به خاطر سنگریزه‌هایی که پرنندگان بر سرشان فروریختند می‌داند، تفسیر دیگری هم هست که آنان با یک بیماری ناشناخته همچون حصبه یا آبله، که موجب خارش و تاول و خونریزی و عفونت می‌شد، از پای درآمدند (برای دیدگاه‌های مفسران در این باره، ر.ک. Daghfous, 1995: 128-129). این تفسیر شاذ برگرفته از بخش پایانی همان روایت رسمی است که همه منابع از ابن اسحاق به بعد آورده‌اند، که ابرهه بیمار شد و در اثر چرک و خونریزی از پای درآمد و «نخستین باری که در سرزمین عرب حصبه و آبله دیده شد همان سال بود». بدین ترتیب، روایت ابن اسحاق را می‌توان ترکیبی از عناصری مختلف دید، به‌ویژه خاطره حضور فیل در آن منطقه و خاطره نابودی لشکر ابرهه در پی بیماری ناشناخته، که برخی گفته‌اند پرنندگان ناقل آن بودند (ر.ک. عبده، ۱۳۴۱ق: ۱۵۸؛ Blachère, 1949: II/115. برخی آبا بیل را برگرفته از آبله فارسی دانسته‌اند، ر.ک. Jeffery, 1938: 44). این رویداد می‌توانسته در مرگ لشکریان ابرهه و سرنگونی وی مؤثر بوده باشد؛ رویدادی که مفسران قرآن معجزه الهی دانسته‌اند.

^۱ ثم إن ابرهه توج محمد بن خزاعی وأمره علی مضر (طبری، تفسیر: ۲۴/۶۳۶).

در اشعار عربی نیز اشاره‌هایی به این بیماری هست: عبدالله بن زبَعْرَى، از قبیله کَنانه، که گفته شده پس از فتح مکه با پیامبر (ص) بیعت کرد، در قطعه‌ای درباره مکه بی‌آنکه از ابرهه یا فیل نام ببرد، لشکری ۶۰هزار نفری را یاد کرده که در پی بیماری هلاک شدند: سَتُونَ أَلْفًا لَمْ يُؤْبُوا أَرْضَهُمْ ... ولم يعش بعد الإياب سقيمها (ر.ک. ابن إسحاق، السيرة النبوية: ۵۰/۱). در این باره دو قطعه نیز به أبو قیس بن أسَلْت، از قبیله اوس یثرب، منسوب است؛ در قطعه نخست وی از نبرد فیل حبشیان (ومن صنعهُ يوم فیل الحبو ... ش إذ کَلَّمَا بعثوه رزم) سروده و در قطعه دوم از أبو یکسوم (غداً أبی یکسوم هادی الکتائب) یاد کرده، سرانجام نبرد را به دلیل «حاصب» از جانب خدا دانسته است: فلماً أتاکم نصر ذی العرش ردهم ... جنود الملک بین ساف و حاصب (ر.ک. ابن إسحاق، السيرة النبوية: ۵۰/۱-۵۱). هرچند وی نیز این شکست را نتیجه معجزه‌های الهی دانسته، تعبیر «حاصب» (یعنی بادی شدید همراه با گردوخاک) را به کار برده که با داستان مشهور پرنندگان تفاوت دارد؛ اما واژه حاصب، که اتفاقاً با سنگریزه نیز پیوند دارد، با حصبه مقایسه‌پذیر است و می‌تواند تصحیفی از آن بیماری باشد: بیماری‌ای که با وزش باد شدید و سنگریزه همه‌گیر شده است.

عالمان مسلمان «عام الفیل» را مبنای گاه‌شماری مکه تا پدیداری تقویم اسلامی قرار داده، آن را به سال‌های ۵۵۲ تا ۵۷۵ م. تاریخ‌گذاری کرده‌اند؛ مقاتل بن سلیمان (تفسیر: ۱۸۵۳/۴) این رویداد را ۴۰ سال پیش از تولد پیامبر اسلام (ص) دانسته، و از ابن عباس و کلبی نقل شده که ۲۳ سال پیش از آن دانسته‌اند (ر.ک. طبرسی، مجمع‌البیان: ۴۴۶/۱۰؛ سیوطی، الدر المنثور: ۶۳۱/۸) اما بر پایه دیدگاه مشهور، تولد پیامبر اسلام (ص) با شکست لشکریان ابرهه مقارن و ۴۰ سال پیش از بعثت بوده است (برای بحث بیشتر، ر.ک. Robin, 2010: 218-220. قس Conrad, 1987). اهمیت این هم‌زمانی «نمادین» در این است که ولادت پیامبر اسلام (ص) نویدبخش ظهور جهانی تازه است در برابر جهانی که قرن‌ها بر پایه نظامی نابرابر استوار بود و این معجزه الهی در شکست ابرهه نماد ویرانی آن نظم کهن است.

در سنت اسلامی به لشکرکشی ابرهه به مکه توجهی فراوان شده است اما به لشکرکشی دیگری که پیش‌تر ابرهه به نجد در عربستان مرکزی داشته توجهی نشده، حال آنکه در برخی منابع شعری منسوب به پیش از اسلام هم یاد شده است (برای بحث تفصیلی، ر.ک. de Prémare, 2000). در شرح حال زهیر بن جناب، از شاعران مشهور پیشااسلامی، أبو الفرج اصفهانی (د. ۳۵۶) به نقل از أبو عمر و شیبانی (د. ۲۰۶) می‌گوید (إصبهانی، الأغانی: ۱۵/۱۹. قس ابن اثیر، الکامل: ۴۵۵/۱، که این مطلب را بی ذکر منبع نقل کرده است):

كان أبرهه حين طلع نجداً أتاه زهير بن جناب فأكرمه أبرهه و فضّله على من أتاه من العرب ثم أمره على ابني وائل تغلب وبكر.

آنگاه که ابرهه به نجد لشکر کشید، زهیر بن جناب نزد وی رفت. ابرهه او را گرامی داشت و بر دیگر مردان عرب که نزد وی بودند برتری داد. سپس او را بر (قبیله‌های) دو پسر وائل، تغلب و بکر، امیر کرد.

ابن قتیبه دینوری (د. ۲۷۶) نیز در شرح حال وی، بی آنکه نام پادشاه یا محل ملاقات را ذکر کند، می‌گوید (ابن قتیبه، الشعر والشعراء: ۳۷۹/۱):

ولما قدمت الحبشة تريد هدم البيت خرج زهير فلقى ملكهم فأكرمه و وجهه إلى ناحية العراق يدعوهم إلى الدخول في طاعته.

آنگاه که حبشیان با هدف ویرانی معبد آمدند، زهیر [بن جناب] به دیدار پادشاه آنان رفت؛ وی او را گرامی داشت و به ناحیه عراق فرستاد تا مردمان آنجا را به فرمان‌بری وی فراخواند.

مسیب بن رفل از نوادگان زهیر بن جناب، که گفته می‌شود تا آغاز قرن دوم می‌زیسته، در چند بیت اشاره می‌کند به اینکه ابرهه با وجود مهیاشدن برای جنگ، جدش (زهیر بن جناب) را بر دو قبیله معد یعنی بکر و تغلب، دو پسر وائل، امیر و نیمی از پادشاهی خود را با او تقسیم کرد (ر.ک. أبو حاتم سجستانی، المعمرین: ۲۹):

وأبرهه الذي كان اصطفانا ... وسوسنا و تاج الملك عالي
و قاسم نصف امرته زهيرا ... ولم يك دونه في الأمر والي
وأمره على حبي معدّ ... وأمره على الحي المعالي
على ابني وائل لهما مهينا ... يردّهما على رغم السبال
بحبسهما بدار الذلّ حتى ... ألما يهلكان من الهزال

سرانجام، صریح‌ترین اشاره به لشکرکشی ابرهه به نجد در دو قطعه از مُنَجِّلِ سعدی، شاعر اهل یمامه که گفته می‌شود تا زمان خلافت خلیفه دوم می‌زیسته، آمده است (ر.ک. همدانی، الإکیلی: ۱۳۵/۲). در قطعه نخست، شاعر حمایت قبیله‌اش از ابرهه در «حلبان» را می‌ستاید:

ضربوا لأبرهه الأمور محلّها ... حلبان فانطلقوا مع الأقوال
و محرّق والحارثان كلاهما ... شرکاؤنا في الصهر والأموال

در قطعه دوم، مخبَل سعدی از ابرهه با کنیه ابو یکسوم یاد کرده، به جنگی اشاره دارد که در «حلبان» روی داده و به بیعت «معد» با ابرهه انجامیده است:

ویوم اَبی یکسوم والناس حضر ... علی حلبان إذ تقضی محاصله

فتحنا له باب الحضیر وربّه ... عزیز تمشی بالسیوف أراحله

حَلْبَان (یا حُلْبَان) شهری کوچک در ۳۰۰ کیلومتری جنوب غرب ریاض است که پیش از اسلام مشهور بوده، در اشعار گوناگون یاد شده است. با فرض صحت انتساب، شواهد شعری بالا نشان می‌دهد ابرهه به نجد در عربستان مرکزی لشکر کشیده و در طی اقامتش در حلبان قبائل معدّ با وی بیعت کرده‌اند (برای بحث بیشتر، ر.ک. Kister, 1965). ناگفته نماند ابن حبیب بغدادی (د. ۲۴۵) از تصمیم ابرهه برای حمله به نجد یاد کرده، ابیاتی منسوب به طَرَفَه بن عبد، از شاعران معلقات سبع، را هنگامی که در نجران بود و از قصد ابرهه آگاه شد، آورده است (ر.ک. ابن حبیب بغدادی، المنمّق، ۷۰/۱-۷۱). برای بحث درباره اصالت مجموعه این اشعار، ر.ک. (Robin, 2018: 1319-1324).

در کنار فرازهای مختلفی از دو لشکرکشی ابرهه که در منابع عربی و اسلامی یاد شده، نکته مهمی که از این منابع برمی‌آید این است که قبائل مختلف عرب در شمال یمن — همچون خَثَم، که سرزمینشان میان اُزد و کِنانه است — و در حجاز — همچون ثَقِیف، در طائف — ابرهه را به‌عنوان پادشاه می‌شناختند و او را «أیها الملک» خطاب می‌کردند. سلطه ابرهه به حدی بود که برای مُضَر در حجاز، که قبائل متعددی همچون قریش را در بر می‌گرفت، و همچنین برای بَکْر و تَعَلِب، در شمال شرق عربستان و عراق، امیر منصوب می‌کرد (برای آگاهی از موقعیت جغرافیایی قبائل عرب، ر.ک. نقشه ۱).

پروژه گنجینه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نقشه ۱. لشکرکشی‌های ابرهه در ۵۵۲ م. (ر.ک. کتیبه‌های ۳ و ۴).

نقشه از آسترید امری^۱ و کریستین ژولین روبن^۲ ویرایش فارسی از منیر غفوری و محمدعلی خوانین‌زاده.

در سنت اسلامی، لشکرکشی ابرهه به نجد اساساً زیر سایه ماجرای لشکرکشی به مکه که پیامدش شکست لشکریان ابرهه و مرگ وی بوده است قرار گرفته و چندان مورد بحث تاریخی نبوده است. اما با توجه به اینکه منابع اسلامی متأخر از دوران ابرهه و به‌ویژه «عام الفیل» اند، در تاریخی بودن و چگونگی این رویداد تردیدهایی در دوران معاصر بوده است؛ از جمله بدین روی که چگونه فیل آفریقایی می‌توانسته مسیر حدود ۸۰۰ کیلومتری

¹ Astrid Emery.

² Christian Julien Robin.

یمن به مکه را در بیابان خشک و سوزان ببیند، یا اینکه چرا منابع غیراسلامی هم دوره شهر مکه یا این رویداد مهم را یاد نکرده‌اند (برای نمونه، ر.ک. Beck, 2018: 30-31. قس Crone, 1987: 134، که تأکید دارد اساساً نامی از قریش یا مکه در منابع خارجی همچون یونانی، لاتین، سریانی، آرامی و قبطی پیش از فتوحات اسلامی نیست)؛ برخی نیز ضمن گردآوری جامع گزارش‌های مربوط به این رویداد، بر این باورند سوره الفیل پیوندی با لشکرکشی‌های ابرهه ندارد بلکه بازتاب داستان فیل‌های بطلمیوس چهارم (حک. ۲۲۲-۲۰۵ پ.م.) و معبد دوم اورشلیم در کتاب سوم مکابیان، از متون آپوکریفایی عهد قدیم، در پی نبرد قادسیه و صف‌آرایی لشکر فیل‌سوار ساسانی در سال ۱۶ هجری است (ر.ک. de Prémare, 2000).

با وجود همه شبهه‌ها درباره تاریخی بودن رویدادهای یادشده در منابع عربی و اسلامی، ابرهه در منابع تاریخی پیشااسلامی هم دوره‌اش نیز یاد شده و همچنین، در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناختی تاکنون ۱۰ کتیبه منسوب به وی کشف شده‌اند؛ به گونه‌ای که برای هیچ شخصیت دیگری در عربستان پیش از اسلام چنین منابع متنوع و دقیقی در دست نیست. مسئله پژوهش این است که چنانچه ابرهه شخصیتی تاریخی بوده، حکومت وی تا کجا را در برمی‌گرفته، دیدگاه‌های دینی‌اش چه بوده و آیا لشکرکشی وی به مکه تاریخی بوده است. برای پاسخ، در ادامه منابع تاریخی هم دوره با وی و سپس شواهد کتیبه‌شناختی و باستان‌شناختی که اکنون در دسترس اند بررسی می‌شوند و با ارائه مهم‌ترین داده‌های برآمده از این شواهد، زمینه بازخوانی منابع سنتی بر پایه این داده‌ها فراهم می‌شود.

۲. ابرهه در منابع تاریخی هم دوره‌اش

مهم‌ترین منبع کهنی که ابرهه را یاد کرده تاریخ نبردها نوشته پروکوپئوس^۱ (د. حدود ۵۶۵ م.)، مورخ شناخته‌شده بیزانسی اهل قیساریه فلسطین، است. وی تقریباً هم‌زمان با ابرهه می‌زیسته و در ضمن گزارش جنگ‌های روم با ایران که خود به‌عنوان افسر ارشد در آن‌ها مشارکت داشته و از نزدیک شاهد بوده، رویدادهای مربوط به عربستان جنوبی را گزارش کرده (History of the Wars I/20: 189 ff.)، که خلاصه آن چنین است:

تقریباً هم‌زمان با این نبرد [یعنی نبرد روم با ایران بین سال‌های ۵۰۲ تا ۵۳۲ م.]، هِلِسْتِیُوس^۲ پادشاه حبشیان، که مسیحی و بسیار باورمند بود، اطلاع یافت که گروهی از حمیریان در سرزمین روبه‌رو [دریای سرخ] مسیحیان آنجا را به شدت زیر ستم گرفته‌اند. بسیاری از این ستمگران یهودی بودند ... او [= هِلِسْتِیُوس] ناوگانی از کشتی‌ها و یک سپاه گردآورد و به سمت آنان لشکر کشید. او در جنگ بر آنان پیروز شد، پادشاه و بسیاری از

¹ Procopius (c. 500-c. 565 CE).

² Ἡλλησθεαῖος (Hellestheaus).

حمیریان را کشت و سپس اسیمیفایوس^۱، که اصالتاً حمیری بود اما مسیحی شده بود، را به پادشاهی منصوب کرد. او مقرر داشت که اسیمیفایوس هر سال به حبشه خراج پردازد و سپس به کشور خود بازگشت. بسیاری از سپاهیان حبشه در آنجا ماندند. ... مدت زیادی از این رویداد نگذشته بود که اینان، همراه با عده‌ای دیگر، بر پادشاه اسیمیفایوس شوریدند، او را در یکی از دژهای آن سرزمین زندانی کردند، و شخصی به نام ابراموس^۲ را پادشاه جدید حمیریان کردند. ابراموس خود مسیحی بود، اما در اصل برده‌ی یک شهروند رومی بود که در شهر ادولیس در حبشه به تجارت دریایی مشغول بود. آنگاه که هلستیس از این رویداد آگاه شد، بر آن شد تا ابراموس و همه‌ی کسانی که بر اسیمیفایوس شوریده بودند را مجازات کند. از همین روی، سپاهی سه‌هزارنفره را به فرماندهی یکی از بستگان خود بدان جا فرستاد. آنگاه که این سپاه به یمن رسید، سربازان دیگر تمایلی به بازگشت نداشتند، بلکه مایل بودند در آن سرزمین حاصلخیز بمانند. بدین روی، بی‌اطلاع فرماندهشان، با ابراموس وارد مذاکره شدند و با شروع درگیری، در همان آغاز نبرد، فرمانده خود را کشتند و به سپاه دشمن پیوستند و در آنجا ماندند. هلستیس از این رویداد بسیار خشمگین شد و سپاه دیگری را برای سرکوب آنان فرستاد، اما این سپاه نیز در جنگ با ابراموس و یارانش شکست سختی خورد و فوراً به حبشه بازگشت. پس از این شکست، پادشاه حبشه هراسناک شد و دیگر هیچ سپاهی برابر ابراموس نفرستاد. پس از مرگ هلستیس، ابراموس پذیرفت که به پادشاه بعدی حبشه خراج پردازد و بدین ترتیب، پادشاهی خود را تحکیم کرد. ... ابراموس بارها به امپراتور ژوستینین وعده داد که به خاک ایران حمله خواهد کرد، اما تنها یک بار لشکرکشی کرد و بی‌درنگ بازگشت. این بود روابط میان رومیان، حبشیان و حمیریان.

پروکوپوس در اینجا به طور گذرا به شورش یوسف آسنار یثار (ذو نواس در منابع عربی، حک. ۵۲۲-۵۲۵/۵۳۰ م.) در پاییز ۵۲۲ اشاره می‌کند. وی پادشاه حمیر در دوره سلطه آکسوم (حبشه) بر حمیر بود که نجاشی کالبِ اِلا اصْبِحَه^۳ (هلستیسوس، حک. ۵۳۴-۵۱۴ م.) او را بر تخت نشانده اما اندکی بعد، با حمله به پادگان اکسومی ظفار (پایتخت حمیر) و قتل عام سربازان و به آتش کشیدن کلیسایشان، لشکری را برای انتقام از مناطق ساحلی دریای سرخ، که روبه‌روی حبشه بود و احتمالاً در وفاداریشان تردید داشت، رهبری کرد و یک کلیسا را نیز در بندر مَخَاوَان (المخاء در عربی) به آتش کشید. هم‌زمان، پادشاه یوسف لشکری را به فرماندهی شاهزاده‌ای یهودی به نام شَرَحِ اِیْل یَقْبُلُ ذُو یَزَانَ به واحه نَجْرَان فرستاد که سلطه پادشاه حمیر را به رسمیت نمی‌شناختند (ر.ک. روبن، ۱۴۰۱: ۲۸۴-۲۸۸، کتیبه Ja 1028). در ژوئن و ژوئیه ۵۲۳، شرح ایل نجران را، که سخت مقاومت کرده بود،

^۱ Ἐσιμιφαῖος (Esimiphaeus).

^۲ Ἀβραμὸς (Abramus).

^۳ Kālēb Ella Aṣḥəḥa.

محاصره کرد و پس از دیدار با پادشاه یوسف، بر پایه آنچه در نامه سوم شمعون اسقف بیت آرشام^۱ (نزدیک مدائن) آمده، وعده داد از جانهای مخالفان درگذرد چنانچه با وی بیعت کنند (برای گزارش شمعون از نامه یوسف ذو نواس به منذر بن نعمان سوم پادشاه حیره (حک. حدود ۵۰۴-۵۵۴ م.)، ر.ک. *The Chronicle of Pseudo-Zachariah Rhetor* 8.3a-g). این وعده محقق نشد و شماری زیاد از مسیحیان نجران و مهم‌تر از همه رهبرشان حارث بن کعب (آرتاس^۲ در یونانی) در نوامبر ۵۲۳ قتل‌عام شدند. در پی آن، ژوستین یکم (حک. ۵۱۸-۵۲۷ م.) امپراتور بیزانس مأموریت دادخواهی را به نجاشی کالب الا اصبحه سپرد (ر.ک. *Martyrdom of Arethas* 29-31: 262 ff.). پس از مرگ پادشاه یوسف و شکست لشکر حمیری، اکسومیان ظفار پایتخت حمیر، صنعاء و مأرب دو شهر مهم آن، و همچنین نجران را تصرف کردند، یهودیان را گردن زدند و کلیساهایی بسیار ساختند. نجاشی کالب تخت پادشاهی حمیر را حفظ کرد و یک شاهزاده حمیری مسیحی به نام سُمویفَع آشوع (اسیمیفایوس، حک. حدود ۵۳۱-۵۳۵ م.) را بر تخت نشانند، اما به سرعت سلطه مستقیم بر عربستان را از دست داد و سمویفَع، پادشاه دست‌نشانده حمیر، به دست ابرهه (ابراموس)، فرمانده لشکر کالب در عربستان، سرنگون شد و وی با پشتیبانی لشکر اکسومی خود را پادشاه حمیر خواند. پروکوپئوس در پایان تنها از یک لشکرکشی ابرهه سخن می‌گوید که ظاهراً موفقیت‌آمیز نبود (برای اعتبارسنجی گزارش‌های وی، ر.ک. (Robin, 2018: 1317-1319).

ابرهه (حک. حدود ۵۳۵-۵۶۵ م.) فرمانده نظامی خارجی در رأس لشکری اشغالگر بود که افرادی زیاد را قتل‌عام کرده بودند؛ پادشاهی مسیحی بود که نخبگان و بسیاری از مردمانش یهودی بودند. وی در شرایطی بسیار ناپایدار به قدرت رسید و حدود ۱۴ سال نیاز داشت تا سلطه‌اش را بر حمیر تحکیم بخشد، چنان‌که نخستین کتیبه‌اش به آغاز سال ۵۴۸ تاریخ‌گذاری می‌شود. ابرهه القاب سنتی شاهانه حمیری را برگزید و فرمان داد به شیوه سنتی پادشاهان حمیر، کتیبه‌هایش به زبان سبئی نوشته شوند (برای آگاهی بیشتر، ر.ک. روبن، ۱۴۰۱: ۲۶۸ به بعد. درباره یهودیت و مسیحیت در حمیر، ر.ک. خوانین‌زاده، ۱۴۰۲ الف: ۷۶ به بعد).

۳. ابرهه در شواهد کتیبه‌شناختی و باستان‌شناختی

تاکنون ۱۰ کتیبه کشف شده‌اند که به پادشاه ابرهه منسوب‌اند. هرچند در یکی از آنها که تاریخ دارد نام ابرهه مفقود است، در نه کتیبه وی با نام یاد شده و در این میان، چهار کتیبه صراحتاً به دستور شخص پادشاه نوشته شده

¹ 'Letter C' of Simeon of Beth Arshām.

² Ἀρέθας (Arethas).

و تاریخ دارند، و دو کتیبه دیگر نیز احتمالاً به دستور وی نوشته شده‌اند (ر.ک. جدول ۱). برای رعایت اختصار، در اینجا ترجمه مهم‌ترین فرازهای هر کتیبه — با ذکر شماره هر سطر به صورت بالانویشت درون پرانتز — می‌آید. در ادامه، با افزودن شواهدی همچون ۳۸ نقش سوارکار نظامی و چهار نقش فیل، که می‌توانند در پیوند با لشکرکشی‌های ابرهه باشند، برخی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی که در این کتیبه‌ها یاد شده‌اند بررسی می‌شود.

جدول ۱. فهرست کتیبه‌های منسوب به پادشاه ابرهه (حک. حدود ۵۳۵-۵۶۵ م.) که تاکنون کشف شده‌اند.

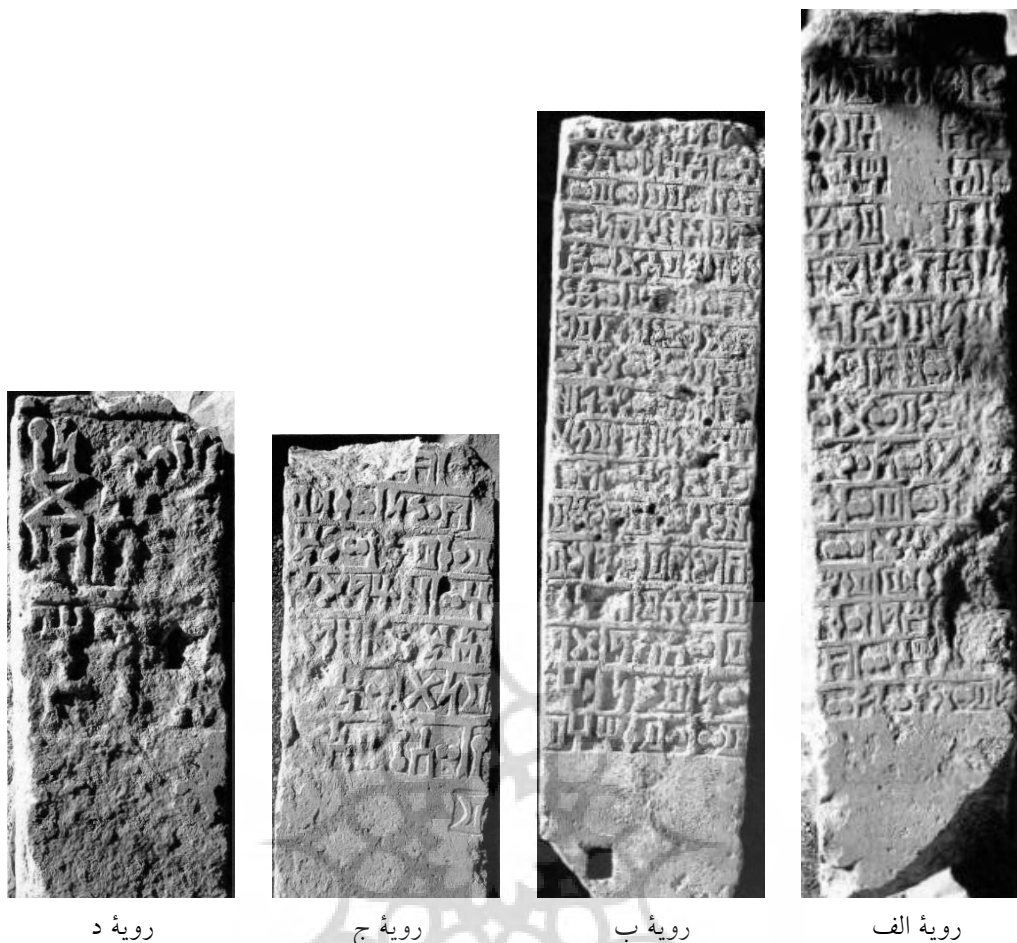
ردیف	شناسه کتیبه	تاریخ کتیبه	مکان	سال اکتشاف	سال انتشار
۱	CIH 541 = Sadd Ma'rib 5	مارس ۵۴۸ م.	مأرب	۱۸۸۸ م.	۱۸۹۷ م.
۲	CIH 325 = Ist 7509	۵۵۹/۶۰ م.	وادی مور؟	۱۸۸۹ م.	۱۸۸۹ م.
۳	Murayghān 1 = Ry 506	سپتامبر ۵۵۲ م.	مُرِیغان	۱۹۵۱ م.	۱۹۵۱ م.
۴	Ja 547 + 546 + 544 + 545 = Sadd Ma'rib 6	نوامبر ۵۵۸ م.	مأرب	۱۹۵۲ م.	۱۹۵۵ م.
۵	Murayghān 2 = Sayed	[سپتامبر ۵۵۲ م.؟]	میریغان	۱۹۸۸ م.	۱۹۸۸ م.
۶	DAI GDN 2002-20 = Sadd Ma'rib 4	فوریه (کیسه) ۵۴۸	مأرب	۲۰۰۲ م.	۲۰۰۴ م.
۷	Murayghān 3	[بین سپتامبر ۵۵۲ و ژوئن ۵۵۴ م.؟]	میریغان	۲۰۰۹ م.	۲۰۱۲ م.
۸	MAFSN-JFR01.29	—	حِمّی	۲۰۱۸ م.	۲۰۱۸ م.
۹	Mash'al-Himà-Abraha 1	—	حمی	۲۰۲۴ م.	۲۰۲۵ م.
۱۰	Bāriqī-Robin-Nā'it 1	—	ناعط	؟	۲۰۲۵ م.

چنانچه کتیبه‌ها را به ترتیب تاریخی بررسی کنیم، نخستین کتیبه شاهانه و تاریخ‌دار به فوریه ۵۴۸ م. بازمی‌گردد (تصویر ۱). عبارات‌های آغازین و پایانی کتیبه چنین است (برای متن کامل کتیبه، ر.ک. Nebes, 2004: 224):

کتیبه ۱. DAI GDN 2002-20 = سد مأرب ۴

(۱) با قدرت و پشتیبانی (۲) و یاری رحمانان، (۳) ارباب آسمان، (۴) و مسیح وی، (۵) ساخت پادشاه (۶) ابرهه، که در (۷) یمن است، پادشاه سد (۸) با و ذو ریذان (۹) و حَضْرَمَوْت و (۱۰) یَمَنْت و اعر (۱۱) ایشان در بالا (۱۲) دست {طَوْد} و پایین دست {تَهَامَة}، عَوْ (۱۳) دان را ...

... در ماه (۳۷) ذُو حِجَّات (۳۸) پسین بود در سال (۳۹) ششصد (۴۰) و پنجاه و (۴۱) هشت.



تصویر ۱. کتیبه DAI GDN 2002-20. تصاویر از نُربرت نِیس^۱ (Nebes, 2004: 222-223, Figs 2a and 2b).

این کتیبه، که در کنار سدّ مَارب زیر ماسه‌ها به صورت خوابیده یافت شده، در ۴۱ سطر بر چهار رویه تخته‌سنگی به بلندی ۱۳۴ سانتی‌متر به صورت برجسته^۲ حک شده و تاریخ نگارش آن ماه ذو حِلّتان پسین سال ۶۵۸ به تقویم حمیر (مبدأ ۱۱۰ پ.م.) مطابق با فوریه (کیسه) ۵۴۸ م. است. ابرهه در این کتیبه خود را با لقب رسمی پادشاهان حمیر یاد کرده است. این کتیبه بازسازی عوّدان، سازه پادشاه شُرِح بایل یَعْفَر (حک. حدود ۴۵۰-۴۶۸ م.) در مرکز آب‌بند شمالی سد مَارب، به دستور ابرهه را یاد می‌کند (Nebes, 2004: 222).

کتیبه با عبارت دعایی «با قدرت و پشتیبانی و یاری رَحمانان، ارباب آسمان، و مسیح وی» آغاز می‌شود. «رَحمانان» نام خدای یگانه است که در کتیبه‌های یگانه‌پرستانه حمیری، از حدود سال ۴۲۰ م. به بعد، هم در دوره یهودیت و هم مسیحیت به چشم می‌خورد. این نام ترکیب رحمن و حرف تعریف در زبان سبئی^۳ (پسوند

¹ Norbert Nebes.

² relief.

³ Sabaic.

ن) و برابر با «الرَّحْمَن» در عربی قرآنی^۱ است. نامیدن شخص نخست تثلیث به یک نام خاص بسیار نامتعارف بود؛ کلیساهای جهان مدیترانه‌ای و خاور نزدیک شخص نخست تثلیث را «پدر» — یا به‌سادگی «ثئوس»^۲ به یونانی، «دئوس»^۳ به لاتین و «آلها»^۴ به سریانی، همگی به معنای «خدا» — می‌نامیدند، و به‌ویژه در کتیبه‌های مسیحی اکسوم وی را «پدر» می‌خواندند. اما ابرهه آگاهانه شخص نخست تثلیث را، همسان با دوران یهودیت حمیر، با نام خاص «رحمانان» می‌خواند (برای بحث تفصیلی، ر.ک. خوانین زاده، ۱۴۰۲: ۱۱۴ به بعد، به‌ویژه ۱۱۸-۱۲۱). ابرهه شخص دوم تثلیث را نیز «مسیح» وی (= رحمانان) و نه «پسر» خوانده، و در اینجا اساساً از شخص سوم تثلیث یاد نشده است. به چرایی مسیح‌شناسی ابرهه در ادامه پرداخته می‌شود.

از نکات شایان توجهی که در این کتیبه آمده، ماه ذو حِلَّتَانِ پَسین (ذ حَلْتَن / اِخْرَن) است که ماه کیسه — میان ماه‌های ذو حِلَّتَانِ و ذو مَعُونِ — در تقویم حمیر است. توضیح کوتاه اینکه رویدادهای سفر ابرهه به مأرب به‌تفصیل در کتیبه^۲ آمده و این سفر از ماه ذو قِیَاطَانِ ۶۵۷ تا ذو مَعُونِ ۶۵۸ حمیری طول کشیده، که طبق سال‌شماری ژولینی از ژوئن ۵۴۷ تا مارس ۵۴۸ م. یعنی ده‌ماهه بوده است؛ اما در همان کتیبه تصریح شده که این سفر ۱۱ ماه طول کشیده است. مدت‌ها این ناسازگاری گاه‌شناختی محل بحث پژوهشگران بود اما با کشف این کتیبه، این ابهام برطرف و روشن می‌شود که در این میان یک ماه افزوده هست. بر این پایه، در دوران ابرهه تقویم حمیر قمری-شمسی^۵ بود، یعنی تقویمی قمری که برای تطابق با فصول سال شمسی — چونان تقویم مسیحیان — تقریباً هر سه سال یک ماه می‌افزودند (برای آگاهی بیشتر، ر.ک. Nebes, 2004: 226 ff.).

دومین کتیبه شاهانه و تاریخ‌دار متعلق به مارس ۵۴۸ یعنی یک ماه پس از نگارش کتیبه پیشین است (تصویر ۲). عبارت‌های آغازین و پایانی کتیبه چنین است (برای متن کامل کتیبه، ر.ک. روبن، ۱۴۰۱: ۲۹۵-۲۹۹):

کتیبه ۲. CIH 541 = سدّ مأرب ۵

(^۱) با قدرت و یاری و رحمت رحمانان و مسیح (^۳) وی و روح مقدس. من نوشته‌ام (^۴) این کتیبه را، خودم، ابرهه، عزّی، پادشاه گعزی، رمح‌پسین (^۶) زبیمن، پادشاه سبأ و ذُو رَیدان و حضرموت و یمنت (^۸) و اعرابشان در مناطق بالادست {طَوْدُ} و سا (^۹) حل {تِهَامَةُ}... .

¹ Qur'ānic Arabic.

² Θεός, *Théos*.

³ Deus.

⁵ lunisolar calendar.

...^(۱۳۱) او انجام داد [کارش را] در پنجاه و ^(۱۳۲) هشت روز و بازگشت ^(۱۳۳) پس از یازده ماه. ^(۱۳۴) در ماه ذُو مَعُون ^(۱۳۵) ششصد و پنجاه و ^(۱۳۶) هشت.

این کتیبه خوش تراش در ۱۳۶ سطر بر چهار رویه تخته سنگی بزرگ به بلندای ۲۵۰ سانتی متر نزدیک سد مأرب به صورت برجسته حک شده و تاریخ نگارش آن ماه ذُو مَعُون سال ۶۵۸ حمیری مطابق با مارس ۵۴۸ م. است. حدود ۱۴ سال پس از به قدرت رسیدن، ابرهه در این کتیبه باشکوه اعلام می کند که اکنون مورد پذیرش مردمانش قرار گرفته است. وی آنگاه در مأرب اقامت داشت و برای ۱۱ ماه در حال لشکرکشی بود: در آغاز شورش یزید بن کُبشه، فرماندار ابرهه بر کِنده، و شاهزادگان سبئی در شرق یمن را سرکوب کرد؛ یک ماه بعد به یاری مردم مأرب شتافت که در پی شکستن سد مأرب از او یاری خواسته بودند؛ در مدتی که منتظر رسیدن نیروی کار بود، کلیسایی را در مأرب وقف کرد؛ به محض آغاز تعمیر سد، کار به دلیل همه گیری طاعون متوقف شد؛ در طی اقامت ابرهه در مأرب، همایش سیاسی خارجی زیر نظر نماینده نجاشی اکسوم برگزار شد که در آن نماینده امپراتور روم، سفیر شاهنشاه ایران، و فرستادگان هم پیمانان عرب ابرهه یعنی منذر بن نعمان نصری (حک. حدود ۵۰۴-۵۵۴ م.) و حارث بن جبلة جفنی (حک. حدود ۵۲۸-۵۶۹ م.) و برادرش أبو کرب، به ترتیب دست نشاندهان ساسانیان و رومیان شرقی، حضور داشتند و در این همایش — که نه در پایتخت ابرهه (صنعاء) بلکه در مأرب، گهواره تمدن باستانی سبأ، برگزار شد — پادشاهی ابرهه و حق او بر بازپس گیری قلمرو پیشین حمیر به رسمیت شناخته شد مشروط بر اینکه به نجاشی خراج پردازد؛ این توافق در دسامبر ۵۴۷، یعنی پس از مرگ کالب إلا أصبحه، با جانشین وی منعقد شد؛ یک ماه بعد کار ترمیم سد از سر گرفته شد و تعمیر سازه عودان و بنای سازه قشبان روبه روی آن در دو ماه به انجام رسید.

گفتنی است بیماری طاعون که در این کتیبه یاد شده مقارن با همه گیری جهانی طاعون ژوستینین در سال های

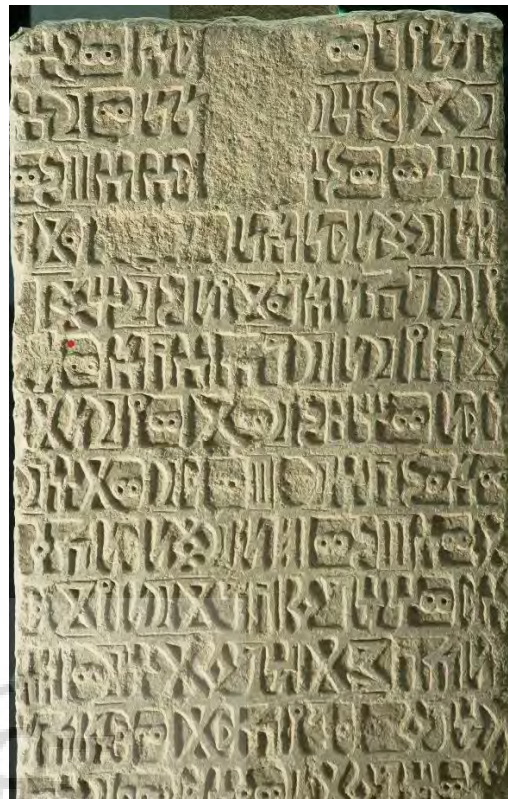
۵۴۱ تا ۵۴۹ است، که برای نمونه در سال ۵۴۱ در مصر فراگیر شده بود (ر.ک. Procopius, *History of the Wars II/22*). این کتیبه شاهدهی بر همه گیری طاعون در سال ۵۴۷ دست کم در مناطقی از شبه جزیره است.



نمایی از سنگ ایستاده کتیبه



رویه ج



بخشی از رویه الف

تصویر ۲. کتیبه CIH 541. تصاویر از کریستین روبن و DASI.

کتیبه با عبارت دعایی «با قدرت و یاری و رحمت رَحمانان و مسیح وی و روح مقدس» آغاز می‌شود که، همچون کتیبه پیشین، خدا با نام «رحمانان» (الرحمن) یاد شده و افزون بر یادکرد «مسیح» وی (یعنی مسیح رحمانان)، شخص سوم تثلیث نیز با تعبیر «روح مقدس» یاد شده است. ناگفته نماند سد مأرب، که در این کتیبه با نام «عمرن، عَرمان» — عرم با پسوند ن، حرف تعریف سبئی — یاد شده (ر.ک. Darles et al., 2013: 9-10)، دقیقاً برابر با «العَرَم» قرآنی است که در سبأ: ۱۶ در اشاره به ویرانی سد مأرب آمده است.

به باور روبن، ابرهه می‌خواست دستاوردهایش را با نگارش کتیبه‌ای باشکوه ماندگار کند اما نخستین تلاش وی (کتیبه ۱) بر ستونی بسیار کوچک‌تر از کتیبه پادشاه شَرِح بایِل یَعْفَر (حک. حدود ۴۵۰-۴۶۸ م.) که در همان نزدیکی بود، راضی‌کننده نبود و از همین روی، دستور داد آن کتیبه را در شن‌های پای سد دفن کنند. اما تلاش دوم بسیار رضایت‌بخش بود، سنگ ایستاده ۲/۵ متری با متنی مفصل و حروفی زیبا که چهار رویه آن را پوشانده بود و ابرهه را هم‌تراز پادشاهان بزرگ حمیری در قرن‌های گذشته قرار می‌داد (ر.ک. Robin, 2023).

سومین کتیبه شاهانه و تاریخ‌دار متعلق به سپتامبر ۵۵۲ م. است (تصویر ۳). عبارت‌های آغازین و پایانی کتیبه چنین است (برای متن کامل کتیبه، ر.ک. روبن، ۱۴۰۱: ۳۰۴):

کتیبه ۳. Ry 506 = مُرِیغان ۱

(۱) صلیب با قدرت رحمانان و مسیح وی، پادشاه ابرهه زییمن، پادشاه سبأ و ذُو ریدان و حضرموت^(۲) و یمن، و اعرابشان در مناطق بالادست {طَوْد} و ساحل {تِهَامَةُ}، این متن را حجاری کرد آنگاه که او هجوم برد^(۳) به مَعْدَةُ برای چهارمین بار، در ماه ذُو ثابِتَان {= آوریل} ...

... {ابرهه} بازگشت از حِلْه^(۹) بان [با] قدرت رحمانان، در ماه ذُو عِلَّان ششصد و شصت و دو.

این کتیبه که تاریخ نگارش آن ماه ذُو عِلَّان سال ۶۶۲ حمیری مطابق با سپتامبر ۵۵۲ م. است، در نُه سطر بر صخره‌ای بسیار بلند بر فراز چاه‌های مُرِیغان در ۲۳۰ کیلومتری شمال نجران، مرز یمن با عربستان سعودی کنونی در استان عَسیر، حک شده است. این کتیبه مهم‌ترین سند از لشکرکشی‌های ابرهه با هدف فتح عربستان بیابانی^۱ است (ر.ک. نقشه ۱). در این کتیبه پادشاه ابرهه، چهار سال پس از تثبیت سلطه خود بر حمیر، «چهارمین» لشکرکشی پیروزمندانه‌اش به نجد را در برابر شورش بنی عمرو، شاهزادگان عرب کنده، که بر اتحاد قبیلگی مَعْدَةُ در عربستان مرکزی حکومت می‌کردند یاد می‌کند؛ لشکر حمیر در دو ستون پیش‌روی کردند: ستون نخست در وادی ذُو مَرَاخ و ستون دوم در آب‌های تَرَبَان پیروز شدند؛ پس از آن ابرهه به حلبان رفت و مَعْدَةُ با وی بیعت کردند و گروگان‌ها را تحویل دادند؛ شاهزاده عمرو بن منذر، پسر منذر سوم (حک. حدود ۵۰۴-۵۵۴ م.) که آنگاه بر حیره و بخشی از عربستان بیابانی فرمان می‌راند و دو سال بعد در ژوئن ۵۵۴ م. خود بر تخت پادشاهی نشست، نیز تسلیم شد و پسرش را به‌عنوان گروگان سپرد.

^۱ عربستان بیابانی (*Arabia Deserta*) به بخش بیابانی عربستان اشاره دارد که یکی از سه بخش شبه‌جزیره در متون کلاسیک رومی و از جمله نقشه بطلمیوس است؛ در برابر دو بخش دیگر که عربستان صخره‌ای (*Arabia Petraea*) و عربستان خوشبخت (*Arabia Felix*) نام دارند و به ترتیب به قلمرو پادشاهی نبطی (اردن کنونی، جنوب سوریه و شبه‌جزیره سینا)، که از سال ۱۰۶ م. به سلطه امپراتوری روم درآمد، و یمن کنونی اشاره دارند (برای آگاهی بیشتر، ر.ک. Bowersock, 1988).

^۲ آب‌های ترین که در کتیبه ۳ یاد شده بحث‌انگیز است: می‌تواند تَرَبَان در غرب نجد باشد که در فاصله‌ای اندک از حَلَبَان، همانجا که شورشیان مَعْدَةُ با ابرهه بیعت کردند، قرار دارد؛ یا اینکه تَرَبَان در ۲۱۰ کیلومتری شمال شرق مریغان، در مسیر لشکرکشی یمن به نجد باشد که در آنجا نقش اسب‌سوار نظامی یافت شده است که، با توجه به سبک یکسان آن با نقش‌های سوارکاران نظامی مریغان، احتمالاً به دست لشکریان ابرهه حک شده‌اند (ر.ک. ادامه مقاله). با این حال، روبن فعلاً تَرَبَان نجد را ارجح می‌داند؛ چراکه بعید است دو لشکر در تَرَبَان، که در بیابانی بسیار خشک و خالی از سکنه واقع است، رویارو شده باشند (ر.ک. Robin, 2018: 1342).



تصویر ۳. کتیبه ۱ Murayghān = Ry 506. تصویر از کریستین روبن (MAFSN).

از آنجاکه در این کتیبه از جای نام حلبان و قبیله معد یاد شده، به نظر می‌رسد این کتیبه یادبود همان لشکرکشی ابرهه به نجد است که در اشعار پیشااسلامی یاد شده اما در سنت اسلامی نادیده گرفته شده بود. پژوهشگران پیش‌تر این لشکرکشی را از لشکرکشی مشهور ابرهه به مکه متمایز نمی‌دانستند؛ پیگولوسکایا^۱ با ذکر اینکه مریغان در مسیر عربستان جنوبی به مکه است، لشکرکشی یادشده در این کتیبه را در پیوند با همان لشکرکشی ای می‌داند که پروکوپوس در پایان گزارشش یاد کرده بود: «ابراموس بارها به امپراتور ژوستینین وعده داد که به خاک ایران حمله خواهد کرد، اما تنها یک‌بار لشکرکشی کرد و بی‌درنگ بازگشت» (ر.ک. پیگولوسکایا، ۱۴۰۵: ۲۱۱ به بعد). مئیر قسطنطین (Kister, 1965) و در پی او برخی دیگر از پژوهشگران (ر.ک. Gajda, 2009: 142 ff.) نیز لشکرکشی یادشده در این کتیبه را همان لشکرکشی به مکه دانسته‌اند اما طبعاً در تاریخ‌گذاری سال ولادت پیامبر اسلام (ص) به «عام الفیل» با دیدگاه مشهور هم‌داستان نیستند، چراکه ابرهه حدود ۱۳ سال پس از این لشکرکشی فرمان راند.

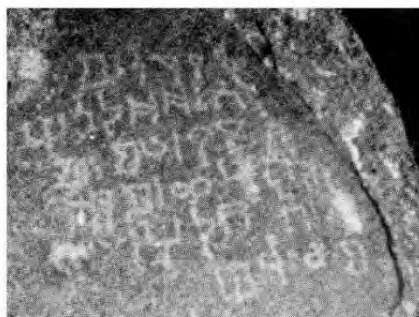
افزون بر نقش صلیب در آغاز متن، کتیبه با عبارت دعایی «با قدرت رحمانان و مسیح وی» آغاز می‌شود که، همچون دو کتیبه پیشین، خدا با نام «رحمانان» (الرحمن) یاد شده و شخص دوم تثلیث «مسیح» وی (یعنی مسیح رحمانان) نامیده شده اما، همچون کتیبه ۱، شخص سوم تثلیث یاد نشده است.

¹ Nina Viktorovna Pigulevskaia (1894-1970).

چهارمین کتیبه، که تاریخ ندارد اما نام پادشاه ابرهه در آن آمده است، به دست یکی از شاهزادگان حمیری که ابرهه را در لشکرکشی به معد همراهی می کرده نوشته شده است (تصویر ۴). ترجمه کتیبه چنین است (ر.ک. Sayed, 1988: 136):

کتیبه ۴. مریغان ۲ = Sayed

(۱) قیل {= شاهزاده} م- (۲) نس ذو ذریح (۳) هجوم برد همراه با اربا (۴) بش پادشاه (۵) ابرهه (۶) بر معد.



تصویر ۴. کتیبه ۴. Murayghān 2. تصویر و فاکسیمیله از عبد المنعم سید (Sayed, 1988: 140, Fig. 3a, b).

این کتیبه بسیار کوچک در سمت چپ کتیبه ۳ و به دست شاهزاده یکی از قبائل مهم حمیری حک شده است. از آنجاکه ابرهه از هیچ گروه حمیری در لشکرکشی خود نامی نبرده، می توان فرض کرد که این شاهزاده حمیری از نزدیکان پادشاه بوده است (Robin, 2018: 1343).

پنجمین کتیبه شاهانه، که در سال ۲۰۰۹ کشف شده، تاریخ ندارد اما با توجه به اینکه ابرهه از بازگشت از لشکرکشی اش به معد سخن گفته، پس از سپتامبر ۵۵۲ م. اما پیش از به تخت نشستن عمرو بن منذر در ژوئن ۵۵۴ تاریخ گذاری می شود؛ چراکه او در این کتیبه یاد شده اما هنوز پادشاه نبوده است (تصویر ۵). ترجمه کتیبه چنین است (ر.ک. روبن، ۱۴۰۱: ۳۰۴-۳۰۵):

کتیبه ۵. مریغان ۳

(۱) صلیب پادشاه ابرهه زیمن، پادشاه سبأ و ذو ریدان و حضرموت و یمنت (۲) و اعرابشان در مناطق بالادست {طود} و ساحل {تهامه}، نوشته است این کتیبه را آنگاه که بازمی گشت از سرزمین معد، (۳) آنگاه که وی تملک کرد اعراب معد را که به دست [مذران] المنذر گرفته شده بودند، فراری داد عمر پسر مذران {عمرو بن المنذر} را، و (۴) تملک کرد همه اعراب معد [و هـ] گره و خط و طی و یثرب و گزام را.



تصویر ۵. کتیبه 3 Murayghān. تصویر از کریستین روبن (MAFSN).

این کتیبه نویافته با حروفی درشت، که از فاصله دور خواناست، بر یک صخره در سمت چپ ورودی دره‌ای منتهی به چاه‌های مریغان حک شده است. این کتیبه یک بیانیه پیروزی است که در آن، پادشاه ابرهه در بازگشت از لشکرکشی به معدّ فهرستی را از مناطقی منتشر کرده که به تازگی تسلیم وی شده بودند. این متن مطمئناً متأخر از توصیف لشکرکشی (کتیبه ۳) و مقدم بر آغاز پادشاهی عمرو بن منذر بر حیره در ژوئن ۵۵۴ — پس از مرگ منذر سوم در نبرد با حارث بن جبلة دشمن جفنی‌اش — است (ر.ک. - Robin and Tayrān, 2012: 540). این کتیبه را می‌توان مکمل کتیبه ۳ دانست، چراکه از فرار عمرو بن منذر حکایت دارد حال‌آنکه در آن کتیبه تنها به تسلیم شدنش اشاره شده بود. ابرهه در این کتیبه موفقیت خود در فرمان‌بردار ساختن همه خاندان‌های مناطق شرقی، مرکزی و شمالی شبه‌جزیره از خلیج فارس تا خلیج عقبه، به‌ویژه هَکَر / هَجَر (الهَافوف کنونی) در شرق عربستان، خَطّ (العَقیر کنونی) در ساحل عربستانی خلیج فارس، طَیّ در مرکز عربستان، یَثْرِب در حجاز، و جُذام در جنوب شرقی عَقَبه (واقع در اردن کنونی)، را ستوده است (ر.ک. نقشه ۱).

برخلاف کتیبه‌های پیشین ابرهه، این کتیبه هیچ عبارت دینی ندارد و تنها نقش یک صلیب در آغاز متن حک شده است.

ابرهه پس از حدود ۱۴ سال، با دفع تهاجم اکسومیان و رفع تهدیدهای داخلی بر مردمانش سلطه یافت و پادشاهی‌اش در دسامبر ۵۴۷ در همایش سیاسی با حضور نمایندگان قدرت‌های جهانی در مَآرِب به رسمیت شناخته شد و در مارس ۵۴۸ مَآرِب را به مقصد پایتخت خود صنعاء ترک کرد (ر.ک. کتیبه ۲). پس از آن بود که با هدف فتح عربستان بیابانی لشکرکشی کرد و سرانجام در چهارمین لشکرکشی، آن‌گونه که در کتیبه ۳ آمده،

سلطه خود را تقریباً بر سراسر شبه جزیره گسترش داد (کتیبه ۴). با توجه به اینکه هر سه کتیبه یافت شده در مریغان به لشکرکشی ابرهه برابر معدّ در نجد اشاره دارند (کتیبه‌های ۳ و ۴ و ۵)، یا ابرهه پس از سال ۵۴۸ هرساله از مریغان به نجد لشکرکشی می‌کرده تا اینکه در چهارمین لشکرکشی‌اش به پیروزی نهایی دست یافته، یا اینکه توقفی طولانی در مریغان داشته است (ر.ک. (Robin, 2018: 1344-1346).



تصویر ۶. نقش دو اسب‌سوار در مریغان. تصویر از MAFSN (Robin, 2018: 1354, Fig. 11).

به‌عنوان شواهدی بر لشکرکشی‌های ابرهه، که عمدتاً در کاوش‌های هیئت باستان‌شناسی فرانسوی-سعودی نجران (MAFSN) از سال ۲۰۰۶ کشف شده‌اند، می‌توان ۳۸ نقش اسب‌سواران نظامی را، که همگی با سبک یکسان بر دیواره‌های صخره‌ای دره‌ای که منتهی به چاه‌های مریغان است حک شده‌اند، بر کتیبه‌های مریغان افزود (برای نمونه، تصویر ۶). این منطقه از مریغان، به دلیل جنس سنگ گرانیت که حکاکی بر روی آن دشوار است، جز دو نقش شتر جمازه و دو نقش پیکره‌ای مرموز، هیچ نقش دیگری ندارد. توزیع نقش اسب نیز در این منطقه منحصر به فرد است و در هیچ جای دیگری چنین مجموعه‌ای از نقش اسب‌های پیشااسلامی دیده نمی‌شود. در مناطق دیگری از جنس ماسه‌سنگ که برای حکاکی مناسب است هم نقش اسب رایج نبوده، بسیار کمتر از نقش شتر و بزکوهی و دیگر حیوانات است. برای نمونه، در منطقه حمی که صدها هزار نقش صخره‌ای دارد، تعداد نقش‌های اسب‌های پیشااسلامی کشف شده به دست این هیئت کمتر از ۱۰ تاست. گفتنی است تاریخ‌گذاری این نقش‌ها عمدتاً با توجه به خط متونی است که کنار آن‌ها نوشته و بدان‌ها اشاره دارد؛ اگر به

یکی از خط‌های عربستانی (مثلاً سبئی یا ثمودی حِمائی^۱) باشد نقش پیشااسلامی و اگر به خط عربی باشد اسلامی است. از آنجاکه بهره‌گیری از اسب جنگی در عربستان جنوبی تنها در دوران پایانی باستان، پس از قرن سوم م. دیده می‌شود، این نقش‌ها حداکثر به سه قرن پیش از اسلام بازمی‌گردند (برای آگاهی بیشتر، ر.ک. (Robin and Antonini, 2017: 20 ff.



تصویر ۷. نقش اسب‌سوار در مریغان. تصویر از MAFSN (Robin, 2018: 1354, Fig. 12).

نقش‌های اسب در مریغان ۳۰ جنگجوی اسب‌سوار مشتمل بر ۱۳ نفر که سلاح در دست دارند (نه نفر با سلاحی که می‌تواند فلاخن باشد و چهار نفر با نیزه یا کمان)، چهار اسب که ممکن است سوارکار داشته باشند، و چهار اسب بدون سوارکار را به تصویر کشیده‌اند. این نقش‌ها وحدت سبکی چشمگیری دارند: تصویر اسب‌سوار محدود به سر، بازوها و تنه است که از نیمرخ دیده می‌شود؛ بازوی راست افسار اسب را نگه داشته است؛ دست چپ غالباً به عقب دراز شده و در امتداد بازوی راست، یک شیء افقی بلند و ظاهراً انعطاف‌پذیر را نگه داشته، که می‌تواند فلاخن باشد؛ گاهی سوارکار نیزه یا شاید کمانی در دست دارد؛ پاهای اسب‌سوار جز در موارد استثنائی دیده نمی‌شوند؛ اسب در حال تاختن، ایستاده بر دو پایش که بسیار ظریف و نمایانند تصویر شده و همیشه روی به سمت چپ داشته، چابک به نظر می‌رسد؛ دم اسب بسیار بلند و منحنی شکل است؛ پاهای جلویی بلند شده، با زاویه قائم خم شده‌اند. سطح نقش‌ها نیز معمولاً کامل ساییده شده است (برای نمونه، ن.ک. تصاویر ۶ و ۷ و ۸). با توجه به این وحدت سبکی، به باور روبن همه این نقش‌ها در مدت‌زمانی کوتاه حک شده و مربوط به یک رویدادند. از آنجاکه تنها لشکری که عبورش از مریغان به صراحت در شواهد کتیبه‌شناختی آمده لشکر ابرهه است، احتمالاً این منطقه توقفگاه لشکریان ابرهه در مریغان بوده است. اگر این نتیجه‌گیری درست باشد، در مریغان مستندات بسیار استثنائی بصری و مکتوب از یک لشکر باستانی هست (ر.ک. (Robin, 2018: 1351-1358).

¹ HimaiteThamudic/ Thamudic F.



تصویر ۸. نقش اسب‌سوار مریغان، که در زیر آن عبارت لعن‌زت نوشته شده است.

تصویر از MAFSN (Robin, 2018: 1355, Fig. 10).

این سبک ویژه نمایش اسب و حالت اسب‌سوار مختص نقش‌های مریغان است و می‌توان آن را «سبک مریغان» نامید، که کاملاً با نقش‌های اسب‌های اسلامی — که ژاک ریگمان^۱ آن را حالت «تاخت پرنده»، یعنی اسبی که در حال پرش می‌تازد، نامیده (ر.ک. Ryckmans, 1963) — تفاوت دارد (برای نمونه، تصویر ۹).



تصویر ۹. نقش دو سوارکار بر اسب در حالت «تاخت پرنده» در حمی (دوره اسلامی).

تصویر از MAFSN (Robin and Antonini, 2017: 50, Fig. 39).

¹ Jacques Ryckmans (1924-2005).

جز در مریغان، تنها دو نقش دیگر از اسب سواران سبک مریغان شناخته است: یکی در تُربان، واقع در ۲۱۰ کیلومتری شمال شمال شرق مریغان (تصویر ۱۰) و دیگری در حِمی، واقع در ۱۶۰ کیلومتری جنوب جنوب شرق مریغان (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۰. اسب سوار به سبک مریغان در تُربان، که به دست هیئت سعودی یافت شده و زیر آن عبارت لعنرت نوشته شده است. تصویر از کریستین روبن (ر.ک. *اطلال* ۲۲: لوحه ۶.۶ ه).

افزون بر این وحدت سبکی، ذکر نام عنزت به خط عربستانی جنوبی کهن^۱ در کنار نقش های تربان و حمی پیوند آن ها را با اسب سواران سبک مریغان آشکارتر می کند: از آنجا که عبارت لعنرت، یعنی متعلق به *عَنْزَت، در کنار سه نقش اسب سوار مریغان نیز نوشته شده است (برای نمونه، تصویر ۸)، می توان فرض کرد که *عَنْزَت نام سواره نظام ابرهه بوده است. به این گروه می توان نقش چهارمی به همان سبک را افزود که سال ها پیش هیئت اعزامی فیلبی - ریکمان - لپنس^۲ به مریغان در دسامبر ۱۹۵۱ رونویسی کرده، عبارت به خط عربستانی جنوبی کهن در کنار آن را لعنرت خوانده بودند، و می توان آن را به لعنرت اصلاح کرد (Robin, 2018: 1358-1361 and Fig. 18).

¹ Ancient South Arabian.

² Philby-Ryckmans-Lippens.



تصویر ۱۱. در میان نقش‌های فراوان اسب در منطقه حمی، تنها یکی که در الصّمَاء یافت شده به سبک مریغان است و کنار آن نام عنزت نوشته شده است. تصویر از MAFSN (Robin, 2018: 1355, Fig. 13).

توزیع جغرافیایی اسب‌سواران سبک مریغان در مسیر حمی - مریغان - تریان جالب توجه است (ر.ک. نقشه ۲). تریان در مسیر مریغان به سمت نجد واقع است. از آنجاکه هم طبق شواهد شعری پیشاسلامی و هم کتیبه ۳ ابرهه، وی در لشکرکشی‌اش به نجد به حلبان رفته، به احتمال بسیار زیاد لشکریان ابرهه از تریان گذر کرده بودند و می‌توان نقش اسب‌سوار سبک مریغان در تریان با نام *عَنْزَت در زیر آن را شاهدی بر این رویداد دانست. حمی نیز در مسیر مریغان و گذرگاه اجباری از نجران به مناطق شمالی و شرقی عربستان است که از آنجا دو شاخه می‌شود: یکی به سمت قریه الفاو و دیگری به سمت مریغان، و سپس حلبان. افزون بر نقش اسب‌سوار سبک مریغان در حمی با نام عنزت در کنار آن، دو کتیبه دیگر منسوب به ابرهه که اخیراً در حمی یافت شده‌اند (کتیبه‌های ۶ و ۷) نشان می‌دهند این منطقه به سلطه ابرهه درآمده بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نقشه ۲. پراکندگی جغرافیایی نقش‌های اسب‌سواران *عَنْزَت (حَمِی - مُرْیَغَان - تُرْبَان).

نقشه از استرید امری و کریستین روبن. ویرایش فارسی از منیر غفوری و محمدعلی خوانین‌زاده.

ششمین کتیبه منسوب به ابرهه، که در فوریه ۲۰۱۸ نزدیک جبل دُبَاح در منطقه حَمِی کشف شده، تاریخ ندارد اما نام ابرهه در آن آمده است (تصویر ۱۲). ترجمه کتیبه چنین است (ر.ک. *Al Qurād and Robin*, 2025: 234).

کتیبه ۶. MAFSN-JFR01.29

^(۱) و متعلق است به ابرهه زبیم پادشاه...

این کتیبه مطمئناً به پادشاه ابرهه اشاره دارد، چراکه نام ابره در شواهد کتیبه‌شناختی تنها برای پادشاه حمیر به کار رفته است و مهم‌تر از آن، لقب ابهام‌آمیز زبیم (کتیبه‌های ۱ و ۲ و ۶) / زبیم (کتیبه‌های ۳ و ۵) / زبیم (کتیبه ۷) است که همواره در باهم‌آیی با پادشاه ابرهه بوده، به‌عنوان مونوگرام شخصی وی در کتیبه‌های شاهانه (کتیبه‌های ۱ و ۲) حک شده است و برخی آن را به «همو که در یمن است» معنا کرده‌اند (برای بحث بیشتر درباره معنای آن، ر.ک. Kropp, 1991: 138). با توجه به سبک غیرحرفه‌ای خط و شکل ناشیانه حروف، بعید است ابرهه خود نویسنده این متن باشد بلکه احتمالاً یکی از همراهان ابرهه آن را، چه بسا هنگام بازدید پادشاه

از حمی یا اقامت وی در نجران در طی لشکرکشی به مریغان و عربستان بیابانی، حک کرده است (Robin, 2018: 1346 ff). این کتیبه در کنار کتیبه ۷ نشان می‌دهد ابرهه بر سراسر منطقه حمی یا بخش‌های مهمی از آن سلطه یافته بود (ر.ک. (Āl Qurād and Robin, 2025: 234).



تصویر ۱۲. کتیبه JFR01.29. تصویر از MAFSN (Robin, 2018: 1347, Fig. 5).

هفتمین کتیبه منسوب به ابرهه نیز در منطقه حمی در ژوئیه ۲۰۲۴ کشف شده است. این کتیبه هم تاریخ ندارد اما نام ابرهه در آن آمده است (تصویر ۱۳). ترجمه کتیبه چنین است (ر.ک. (Āl Qurād and Robin, 2025: 231):

کتیبه ۷. Mhhlll -Ĥimà-Abraha 1

(^۱) و متعلق است به اربابشان (^۲) ابرهه (^۳) زبمن (^۴) پادشاه (^۵) سبأ (^۶) و ذو ریدان (^۷) و حضرموت...

با توجه به نوع خط و سبک نگارش، به نظر می‌رسد نویسنده این کتیبه بومی همین منطقه بوده است. وی تصریح می‌کند جایی که این کتیبه نوشته شده در زمره دیگر جاهایی از منطقه حمی است که اکنون به سلطه پادشاه ابرهه درآمده است. از آنجاکه تاریخ همه کتیبه‌های شناخته‌ای که به فرمان ابرهه نوشته شده‌اند پس از همایش سیاسی خارجی در زمستان ۵۴۷ است که حکومتش از سوی نمایندگان ایران و روم و پادشاهی‌های دست‌نشانده آنان در عربستان با حضور نماینده نجاشی اکسوم به رسمیت شناخته شد (ر.ک. کتیبه ۲)، احتمال می‌رود ابرهه لقب سنتی شاهانه حمیری را تنها پس از این همایش برگرفته باشد. اگر چنین باشد، این کتیبه را می‌توان به پس از دسامبر ۵۴۷ م. تاریخ‌گذاری کرد (برای بحث بیشتر، ر.ک. (Āl Qurād and Robin, 2025).

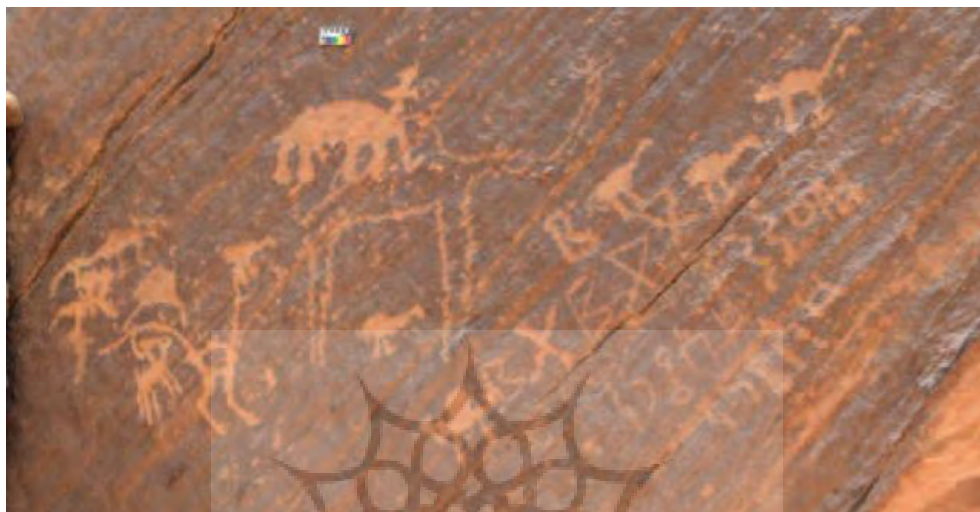


تصویر ۱۳. کتیبه ۱ Mash'al-Himà-Abraha. تصویر از مشعل عبدالله آل قراد (Āl Qurād and Robin, 2025: 232, Fig. 4).
در تازه‌ترین یافته‌های هیئت باستان‌شناسی فرانسوی-سعودی نجران، سه نقش فیل همراه با فیلبانش (تصویر ۱۴ و ۱۵) در نوامبر ۲۰۱۴ در جبل دُبّاح (حمی)، در فاصله‌ای کمتر از دو کیلومتر از کتیبه ۶، و اخیراً یک نقش فیل دیگر (تصویر ۱۶) در جنوب غرب حمی کشف شده‌اند. به نظر می‌رسد این نقش‌ها یادآور فیلی (یا فیل‌هایی) هستند که از این منطقه گذر کرده‌اند.



تصویر ۱۴. دو نقش از فیل همراه با فیلبانش در جبل دُبّاح (حمی). تصویر از MAFSN (Robin, 2018: 1364, Fig. 20).

از آنجا که نخست، فیل حیوان بومی عربستان نیست و دوم، به عنوان حیوان جنگی در عربستان پیشااسلامی تنها در خاطره لشکرهای خارجی (حبشی یا ایرانی) در دهه‌های نزدیک به ظهور اسلام یاد شده است، چنانچه فیل در بیابانی در ۱۰۰ کیلومتری نجران پرسه می‌زده تنها می‌توانسته در خدمت لشکر فرمانروایی باشد که می‌خواستند قدرت خود را نمایش دهد.



تصویر ۱۵. نقش سوم از فیل همراه با فیلبانش در جبل دُبّاح (حمی)، روبه‌روی همان صخره‌ای که دو نقش از فیل با فیلبانش دارد (ر.ک. تصویر ۱۴). تصویر از MAFSN (Robin, 2018: 1365, Fig. 21).

در سنت اسلامی سه نفر از فرمانروایان حبشی عربستان (حدود سال‌های ۵۲۵ تا ۵۷۵ م.) صاحب فیل دانسته شده‌اند: آریاط، ابرهه، و مسروق پسر دوم ابرهه (ر.ک. إصبهانی، الأغانی: ۱۹۴/۱۷؛ طبری، تاریخ: ۱۳۱/۲، ۱۴۱) و طبق شهادت‌نامه آرتاس، تنها یک نجاشی، کالب إلا أصبحه، در لشکرکشی برابر پادشاه یوسف به نجران رسید (ر.ک. Martyrdom of Arethas 38) اما شاهدی در دست نیست که وی تا حمی پیشروی کرده باشد. همچنین هیچ شاهدی بر مداخله یک فرمانروای ساسانی در این منطقه نیست. با این اوصاف، بهترین نامزد برای صاحب فیل حمی ابرهه است (ر.ک. Robin, 2018: 1363-1366). وی تنها شخصیت تاریخی است که طبق سنت اسلامی قطعاً با فیل پیوند دارد و حضورش در حمی توسط دو کتیبه تأیید شده است. این چهار نقش فیل، در کنار نقش‌های اسب سواران عزت، شواهد محکمی هستند بر اینکه ابرهه در مسیر لشکرکشی از طریق مریغان به نجد با فیل و اسب‌های جنگی از حمی گذر کرده است (Āl Qurād and Robin, 2025: 234-235)، اما نمی‌توان چیزی فراتر گفت.



تصویر ۱۶. نقش فیل در جنوب غرب حمی. تصویر از مشعل عبدالله آل قراد (Āl Qurād and Robin, 2025: 234, Fig. 9).

هشتمین کتیبه که پادشاه ابرهه در آن یاد شده، و به احتمال زیاد به دستور خود پادشاه نوشته شده، اخیراً کشف شده است. این کتیبه مقطع^۱ است، یعنی در هر دو سمت راست و چپ شکسته شده، و تاریخ آن مشخص نیست (تصویر ۱۷). ترجمه کتیبه چنین است (ر.ک. al-Bāriqī and Robin, 2025: 295):

کتیبه ۸ it 1 Brrqā-Robin-^{۱۱۱}

{... }^(۱) ... و قرایشان [...]^(۲) [... صَنَاءُ و نَاعِطٌ، و روز [...]^(۳) [...] و سومین {روز} از این روز [...]^(۴) [...] و همه کُمون هایشان [...]^(۵) [...] داشتند [...] همه فیل هایشان [...]^(۶) [...] شیرها در ساقو [...]^(۷) [... رَحْمَانان] همو که در آسمان است [...]^(۸) [...] نوشت این کتیبه را ابرهه ز [بیمن پادشاه سبأ] [...]^(۹) [... حضر] موت [...] [...]

¹ fragmentary.



تصویر ۱۷. کتیبهٔ Bāriqī-Robin-Nā'it 1. تصویر از زاهر عاطف البارقی (al-Bāriqī and Robin, 2025: 295, Fig. 1).

این کتیبه، که به صورت برجسته بر تخته سنگی در ناعط، شهری کوچک در ۵۰ کیلومتری شمال صنعاء پایتخت ابرهه، حک شده، هرچند کامل نیست اما دربرگیرندهٔ داده‌هایی بسیار مهم است و از حیواناتی یاد کرده که یا در لشکرکشی‌های ابرهه ملازم وی بوده‌اند یا در شکاری شاهانه به چنگ وی درآمده‌اند. در این میان، واژهٔ *الفیل* در سطر پنجم توجه‌برانگیز است، چراکه برای نخستین بار است که در کتیبه‌های عربستان جنوبی دیده می‌شود. از آنجاکه این واژه در باهم آبی با واژهٔ *البا* به معنای «شیرها» در سطر بعدی است، بعید نیست *الفیل* به معنای «فیل‌ها» باشد؛ که به باور روبن به احتمال زیاد وام‌واژه از *ελέφαντος* یونانی (حالت اضافه *ελέφαντος*) است (برای بحث بیشتر، ر.ک. al-Bāriqī and Robin, 2025: 296). یادکرد فیل در این کتیبه شاهد مهمی است بر اینکه فیل می‌توانسته به عنوان حیوان جنگی در لشکر ابرهه باشد.

نهمین کتیبه که پادشاه ابرهه در آن یاد شده متعلق به نوامبر ۵۵۸ م. است (تصویر ۱۸). ترجمهٔ بخش‌هایی از کتیبه چنین است (برای متن کامل کتیبه، ر.ک. روبن، ۱۴۰۱: ۳۰۷):

کتیبه ۹. 545 + 544 + 546 + Ja 547 = سد مأرب ۶

...^(۷) به نام رحمانان، ارباب آسمان و زمین،^(۸) و با یاری اربابشان، پادشاه ابرهه، پادشاه سبأ و^(۹) ذو ریدان و حضرموت و یمن و اعرابشان در مناطق بالادست {طُود} ^(۱۰) و ساحل {تهامه}، رمح ^(۱۱)، به نام رحمانان که فرمان می‌راند، صلیب ^(۱۱) ...
...^(۱۳) — باشد که ببخشند به آنان زندگی سربلند صلیب ^(۱۴) و رضایت برای رحمانان. صلیب ^(۱۵) در ماه ذُو مَهَّ ^(۱۶) لَتَان {نوامبر} از سال ^(۱۷) ششصد و شصت و هشت. ^(۱۸) صلح، صلح.



تصویر ۱۸. کتیبه 545 + 544 + 546 + Ja 547. تصویر از بورکهارد فوگت^۱ (Darles et al., 2013: 32, Fig. 11).

این کتیبه، که در ماه ذُو مَهَّ لَتَان ۶۶۸ حمیری مطابق با نوامبر ۵۵۸ م. در ۱۸ سطر نوشته شده، بر سطح یک ژرف‌دره چندصد متر بالاتر از شیب سد مأرب حک شده است. این کتیبه که به روشی ناپخته و سبکی عجیب حک شده، رسیدن نیروهای کار قبیلگی را یاد می‌کند که به فرمان ابرهه در آخرین مرمت شناخته سد مأرب دست داشتند (ر.ک. Darles et al., 2013: 30-39).

افزون بر سه نقش صلیب در پایان سطرهای دهم، سیزدهم و چهاردهم، در این کتیبه نیز خدا با نام «رحمانان» یاد شده است.

سرانجام دهمین کتیبه (تصویر ۱۹)، که متأخرترین کتیبه تاریخ‌دار حمیری — پیش از فتح یمن به دست ساسانیان در ۵۷۰ — است، متعلق به سال ۵۵۹/۶۰ م. است (ر.ک. Müller, 2010: 122-123). این کتیبه مقطع

¹ Burkhard Vogt.

هرچند دربرگیرنده نام ابرهه نیست، یادبود ساخت بنایی باشکوه، احتمالاً کلیسای بزرگ صنعاء، به دست ابرهه است (ر.ک. (Robin, 2015: 121 ff. ترجمه کتیبه چنین است (ر.ک. روبن، ۱۴۰۱: ۳۰۶):

کتیبه ۱۰. Ist 7509 = CIH 325

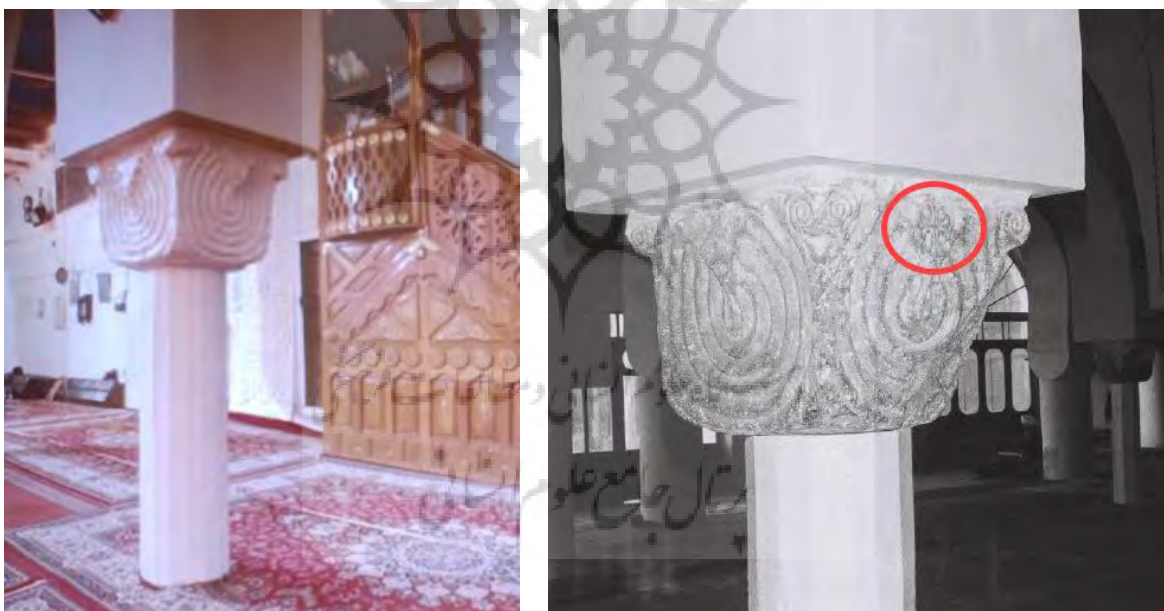
(۱) ... [سنگ‌های برش خورده، قطعاتی از مرمر و فتح [... (۲) ...] سنگفرش آن به سمت شبستان بزرگ و آنان همچین دوباره کردند [... (۳) ... دیوار] جنبی جز برای ستیغش و آنان هرآنچه بدان مأمور بودند را انجام دادند ... [... (۴) تا یک تیغه {سکم} و آنان دوباره انجام دادند آن را از پایه‌ها تا ستیغ و [... (۵) ...] .. سال ششصد و شصت و نه. و آنان همچین [... (۶) ...] و هِنوم چهار ردیف {فل پیت} در بلندا و چهار دیوار جنبی ... (۷) ... [از] پایه‌هایش. آنان ساختند آن را از پایه‌هایش و کامل کردند در آنجا [... (۸) ...] ش ... و سه ردیف {فل پیت} بر فراز آن. آنان جای دادند {روبه‌رویش} حصم آن را از چوب لَبِخ [... (۹) ... سرزمین] حَگور و مرز عَک و هرآنچه بدان مأمور بودند در سنگ‌های تزئینی، سنگ‌های برش خورده {به نام} حَبَش [...



تصویر ۱۹. کتیبه Ist 7509 = CIH 325. تصویر از DASI.

این کتیبه بسیار خوش تراش، فاقد بخش‌های آغازین و پایانی است که دربرگیرنده دعاهای مذهبی و نام نویسنده کتیبه و تاریخ نگارش بوده‌اند؛ اما تاریخ ۶۶۹ حمیری مطابق با ۵۵۹/۵۶۰ م. در متن آمده که هم‌زمان با دوران پادشاهی ابرهه و پس از گسترش سلطه وی تقریباً بر سراسر شبه‌جزیره است. دقت و ظرافتی که در نگارش و حکاکی متن به کار رفته، با سه ردیف کاملاً مساوی و حروفی که به صورت برجسته حک شده‌اند، تنها با کتیبه بزرگ ابرهه در مأرب (کتیبه ۲) مقایسه‌پذیر است. ضمن اینکه طبق شواهد موجود، پس از سلطه حبشه بر حمیر

در حدود ۵۲۵-۵۳۰ م. همه کتیبه‌های یادبود^۱ به دستور پادشاه نوشته شده‌اند (al-Bāriqī and Robin, 2025: 297). در نتیجه به احتمال بسیار زیاد این کتیبه به دستور شخص ابرهه نوشته شده است. این کتیبه یادبود ساخت بنایی باشکوه است که استفاده از موادی بسیار گران‌بها در آن یاد شده است و باید کاخ یا عبادتگاهی بزرگ باشد؛ موادی همچون سنگ مرمر (ربعت موجل، رُخام عربی)، سنگ‌های برش‌خورده (جرب، جروب عربی) به‌ویژه سنگ‌های برش‌خورده سیاه (جرب حبش)، و چوب کَبَخ (سبخ، کَبَخ عربی) یا آبنوس، که ازرقی (أخبار مکة: ۲۱۳ به بعد) در توصیف کلیسای بزرگ ابرهه در صنعاء به نام «قلیس» همین‌ها را با جزئیات یاد کرده است (برای آگاهی تفصیلی، ر.ک. Robin, 2015: 123 ff.). بر پایه گزارش ازرقی (أخبار مکة: ۲۱۲) و همدانی (الإکلیل: ۵/۸)، قلیس در کنار کاخ عُمدان بنا شده بود و پس از اسلام با تخریب آن کاخ، مسجد جامع صنعاء نزدیک به قلیس ساخته شده است (برای بحث تفصیلی درباره جایابی قلیس، ر.ک. Robin, 2015: 107 ff.). امروزه برخی از سنگ‌های تزئینی یادشده و همچنین دو سرستون با نقش صلیب، که احتمالاً بقایای قلیس بوده‌اند، در مسجد جامع کبیر صنعاء دیده می‌شوند (تصویر ۲۰).



تصویر ۲۰. دو سرستون با نقش صلیب، احتمالاً متعلق به قلیس، که در مسجد جامع کبیر صنعاء استفاده شده‌اند.

تصویر از کریستین روبین (Robin, 2015: 129, Fig. 2).

جا دارد اینجا از سیاست مذهبی ابرهه برای تقویت همدلی با نخبگان و بسیاری از مردمانش که یهودی بودند یاد شود. ابرهه و سمویفع اشوع، پادشاهان مسیحی حمیر زیر سلطه اکسوم، هر دو برخلاف شیوه رایج

¹ monumental inscriptions.

کلیسای اکسوم شخص نخست تثلیث را نه «پدر»، که «رحمانان» خوانده‌اند تا مردمانی را که مدتی دراز متأثر از یگانه‌پرستی یهودی بودند و خدای خود را «رحمانان» می‌خواندند با خود همراه کنند؛ اما تفاوت دو پادشاه در شیوه نامیدن شخص دوم تثلیث معنادار است: سمویفیع اشوع، که دست‌نشانده اکسومیان بود، از آموزه‌های کلیسای میافیزیت اکسوم پیروی کرده و با تأکید بر ذات الهی عیسی (ع)، او را «پسر» خدا خوانده است. بهره‌گیری از «کریستوس، کریپت‌ت‌پین» گعز^۱ (حبشی کلاسیک) برای مسیح، که آشکارا وام‌گرفته از «کریستوس»^۲ یونانی است، وابستگی او به اکسوم را نشان می‌دهد.

در مقابل، ابرهه نه‌تنها عیسی (ع) را پسر خدا نخوانده بلکه تعبیر «کریستوس» را با واژه «مسیح، مسح» سبئی، که وام‌واژه از «مشیحو»^۳ سریانی است، جایگزین کرده است. حذف هدفمند «پسر» و کاربرد «مسیح» به جای «کریستوس» حاکی از این باور است که شخص دوم ذات الهی ندارد و بیش از «انسان برگزیده خدا» (که مسح الهی را دریافت کرده) نیست. این تعبیر هم برای یهودیان پذیرفتنی بود و هم برای مسیحیان توهین‌آمیز نبود. همچنین می‌توان به نام‌بردن شخص سوم تثلیث در آغاز دو کتیبه از چهار کتیبه‌ای که ابرهه نویسنده آن‌هاست توجه کرد (کتیبه‌های ۱ و ۳)، که بدین ترتیب روح‌القدس به جایگاه دوم تنزل می‌یافت.

تفاوت در مسیح‌شناسی ابرهه و پیروی نکردن از شیوه رایج شهادت‌نامه مسیحیان، در کنار دیگر وام‌واژه‌های سریانی در کتیبه‌های وی همچون کلیسا (بعث، بیعتو) و کشیش (فسس، قشیشو)، بیانگر این است که در دوران ابرهه کلیسای حمیر از کلیسای اکسوم فاصله گرفته، به انطاکیه و سوریه نزدیک‌تر شده بود و به پادشاه امکان می‌داد پیوندش را با نسطوریان نجران و خلیج فارس و دیگر مسیحیان سریانی‌زبان در عربستان و مناطق هم‌جوار استوارتر سازد. از سوی دیگر، یهودیان دست‌کم از دوران امپراتوری روم باور به «مسیحا»^۴ داشتند که از نسل داود (ع) است و خدا وی را بر خواهد انگیخت تا آنان را از بندگی برهاند و پادشاهی اسرائیل را بازسازی و همه یهودیان تبعیدی را به سرزمین مقدس بازگرداند (ر.ک. Ginsberg, 2007). ابرهه هوشمندانه با این مسیح‌شناسی حداقلی و به‌کارگیری واژه «مسیح»، که تداعی‌کننده «مسیحا» است، نه‌تنها از رنجاندن و طرد طیف گسترده‌ای از جامعه زیر سلطه‌اش، یعنی یهودیان که باور به پسر خدا برایشان پذیرفتنی نبود، پرهیز کرد بلکه توانست حمایت یهودیانی که چشم‌انتظار آمدن مسیحا بودند را جلب کند تا با پادشاه تازه بیعت کنند. با این

^۱ Ge'ez/ Classical Ethiopic.

^۲ Christos.

^۳ حعیسه به سریانی، برگرفته از . . . ܐܘܪܝܫܐܝܡ ܐܪܡܝܐ.

^۴ . . . ܡܫܝܚܐ به آرامی، برگرفته از [ܡܫܝܚܐ] . . . ܡܫܝܚܐ، به معنای مردی [پادشاهی] که با روغن مقدس مسح شده است.

سیاست ابرهه دو گروه متخاصم را متحد ساخت و زمینه را برای تثبیت حکومتش با فتح تقریباً سراسر شبه‌جزیره عربستان فراهم کرد (ر.ک. خوانین‌زاده، ۱۴۰۲ الف: ۸۷-۸۹).

این سیاست مذهبی ابرهه را باید در چشم‌اندازی بزرگ‌تر برای تقویت انسجام پادشاهی گسترده‌اش و تبدیل حمیر به پایگاه مسیحیت در عربستان دید. ابرهه با ساخت کلیسای بزرگ قلیس در صنعاء می‌خواست همه مسیحیان شبه‌جزیره را متحد سازد. در همین راستا، به نظر می‌رسد ابرهه تقویم حمیر، که تقویمی قمری بر پایه تقویم یهودی بود، را با کیسه‌گیری - یعنی افزودن یک ماه تقریباً هر سه سال یکبار - اصلاح کرد (ن.ک. ذیل کتیبه ۱) تا با تقویم شمسی مسیحیان هماهنگ شود (در این باره، ر.ک. Robin, 2019: 13 ff.).

نتیجه‌گیری

از مجموع شواهد کتیبه‌شناختی و باستان‌شناختی که در این مقاله به‌اجمال مرور شدند در وهله نخست، تاریخی بودن ابرهه آشکار می‌شود: پادشاه مسیحی حمیر با خاستگاه حبشی، که در لقب رسمی‌اش خود را همسان با پادشاهان حمیری می‌خوانده و رویدادهای مهم دوران پادشاهی‌اش را در کتیبه‌های به خط سبئی، به شیوه سنتی پادشاهان حمیری، حک کرده است؛ رویدادهایی همچون ویرانی بخش‌هایی از سد مأرب و ترمیم آن (کتیبه‌های ۱ و ۲ و ۹)؛ سرکوب تهاجم خارجی از سوی اکسوم و شورش‌های داخلی (کتیبه ۲)؛ جهت‌گیری میانه دینی (مسیح‌شناسی حداقلی) در راستای انسجام داخلی و همراه کردن نخبگان و مردمان یهودی (کتیبه‌های ۱ و ۲ و ۳)؛ برگزاری همایش سیاسی جهانی برای جلب حمایت بیزانس و ایران و راحتی خیال از مرزهای عربستان با دو امپراتوری (کتیبه ۲)؛ لشکرکشی‌های متعدد برای گسترش حکومت خود تقریباً بر سراسر شبه‌جزیره، از سواحل شرقی خلیج فارس گرفته تا نجد در مرکز، حجاز در غرب، و تا خلیج عقبه در شمال غرب (کتیبه‌های ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷؛ نقش‌های اسب‌سواران سبک مریغان)؛ ساخت کلیسای بزرگ صنعاء (قلیس) برای جلب حمایت مسیحیان در داخل عربستان و خارج آن اعم از اکسوم و بیزانس (کتیبه ۱۰)؛ و اصلاح تقویم قمری حمیر برای هماهنگی با تقویم شمسی مسیحیان (کتیبه ۱).

در مورد لشکرکشی ابرهه به مکه در پی ساخت قلیس و تصمیم به مرکز قرار دادنش برای حج‌گزاران عرب، شواهدی که تاکنون کشف شده‌اند کافی نیستند؛ هرچند یثرب در حجاز در شمار مناطقی آمده که تسلیم ابرهه شده با وی بیعت کردند (کتیبه ۵)، اشاره صریحی به لشکرکشی به مکه با هدف تخریب کعبه نیست. یادکرد فیل در کتیبه ۸ شاهد مهمی است بر اینکه فیل می‌توانسته به‌عنوان حیوان جنگی در لشکر ابرهه باشد، اما نقش‌های فیل در حمی می‌توانند مربوط به لشکرکشی به نجد باشند، حال آنکه اساساً معلوم نیست فیل‌سواران فراتر از

حمی رفته باشند. البته مرگ ابرهه و فروپاشی سریع حمیر پس از وی منطقی می‌تواند پی‌آمد لشکرکشی خسارت‌بار ابرهه به مکه بوده باشد، هرچند طبق گزارش‌هایی از همه‌گیری جهانی طاعون ژوستینین در سال‌های ۵۴۱ تا ۵۴۹ که در منابع تاریخی آمده و در یمن هنگام ترمیم سد مأرب در سال ۵۴۷ فراگیر شده (کتیبه ۲)، یا شیوع بیماری ناشناخته همچون حصبه و وبا در مکه و مرگ ابرهه در اثر چرک و خونریزی که در منابع اسلامی آمده، این رویداد می‌توانسته در مرگ لشکریان ابرهه و سرنگونی وی مؤثر بوده باشد؛ رویدادی که مفسران قرآن معجزه الهی دانسته‌اند.

اختصارات منابع کتیبه‌شناختی

CIH: Corpus Inscriptionum Semiticarum

DAI GDN: Deutsches Archäologisches Institut, Grosser Damm Nord

DASI: Digital Archive for the Study of Pre-Islamic Arabian Inscriptions (dasi.cnr.it)

Ist: Istanbul

Ja: Jamme (Albert)

MAFRAY: Mission archéologique française en République arabe du Yémen

MAFSN: Mission archéologique franco-sa'ūdiennne de Najrân

Ry: Ryckmans (Gonzague)

منابع

۱. آقای، سیدعلی، خوانین‌زاده، محمدعلی و مارکس، میثائیل (۱۴۰۱)، «مقدمه: باستان متأخر و اسلام»، صص. ۱۵-۷۲ در روین، ۱۴۰۱.
۲. ابن اثیر، أبو الحسن عزالدین (۱۴۱۷)، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی.
۳. ابن إسحاق، أبو بکر محمد بن إسحاق (۱۴۲۴)، *السیره النبویه*، تحقیق أحمد فرید مزیدی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. ابن حبیب بغدادی، أبو جعفر محمد بن حبیب (۱۴۰۵)، *المنمق فی أخبار قریش*، تحقیق خورشید أحمد فاروق، بیروت: عالم الکتب.
۵. ابن قتیبه دینوری، أبو محمد عبدالله بن مسلم (۱۳۷۷)، *الشعر والشعراء*، تحقیق أحمد محمد شاکر، قاهره: دار المعارف.
۶. أبو حاتم سجستانی، سهل بن محمد (۱۳۲۳)، *کتاب المعمرین من العرب و طرف من أخبارهم و ما قالوه فی منتهی أعمارهم*، تحقیق محمد امین خانجی، قاهره: مطبعة السعادة.

۷. أزرقی، أبو الولید محمد بن عبدالله (۱۴۲۴)، *أخبار مکه وما جاء فيها من الآثار*، تحقیق عبد الملک بن دهیش، مکه: مکتبه الأسدی.
۸. إصبهانی، أبو الفرج علی بن حسین (۱۴۱۵)، *کتاب الأغانی*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۹. *أطلال. حولیة الآثار العربیة السعودیة* ۲۲ (۱۴۳۳).
۱۰. برگ نیسی، کاظم (۱۳۶۸)، «ابرهه»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، جلد دوم، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۱. پیغولیوسکیا، نینا وکتورونا (۱۴۰۵)، *العرب علی حدود بیزنطة وإیران من القرن الرابع إلى القرن السادس المیلادی*، ترجمه صلاح الدین عثمان هاشم (اصل روسی ۱۹۶۴)، کویت: المجلس الوطنی للثقافة والفنون والآداب.
۱۲. جواد علی (۱۳۹۱)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۳. خوانین زاده، محمد علی (۱۴۰۲ الف)، «بازخوانی ادیان عربستان پیشااسلامی بر پایه شواهد مادی»، *پژوهش نامه ادیان* ۳۴: ۷۱-۱۰۲.
۱۴. خوانین زاده، محمد علی (۱۴۰۲ ب)، «جستاری معناشناختی در علم بودن اسم الرحمن»، *پژوهش نامه نقد آراء تفسیری* ۸: ۱۰۱-۱۴۰.
۱۵. روبن، کریستین ژولین (۱۴۰۱)، *۱۴۰۰ سال پادشاهی در عربستان پیش از اسلام*، گزینش، ترجمه و تحقیق محمد علی خوانین زاده، تهران: انتشارات حکمت.
۱۶. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۳)، *الدر المنثور فی التفسیر المأثور*، بیروت: دار الفکر.
۱۷. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷)، *تاریخ الطبری. تاریخ الرسل والملوک*، تحقیق محمد أبو الفضل إبراهیم، قاهره: دار المعارف بمصر.
۱۸. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر (۱۴۲۲)، *تفسیر الطبری. جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، تحقیق عبد الله بن عبد المحسن ترکی، قاهره: دار هجر.
۱۹. طبرسی، أبو علی فضل بن حسن (۱۴۱۵)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق لجنة من العلماء والمحققین الأخصائین، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۰. عبده، محمد (۱۳۴۱)، *تفسیر القرآن الکریم. جزء عم. قاهره: الجمعیة الخیریة الإسلامیة*.
۲۱. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.

۲۲. همدانی، أبو محمد حسن بن أحمد (۱۳۵۷)، *كتاب الإكليل من أخبار اليمن وأنساب حمير*، جزء هشتم، تحقيق نبيه أمين فارس، صنعاء: دار الكلمة.

۲۳. همدانی، أبو محمد حسن بن أحمد (۱۴۲۵)، *كتاب الإكليل من أخبار اليمن وأنساب حمير*، جزء دوم، تحقيق محمد علی آکوع، صنعاء: وزارة الثقافة والسياحة.

24. Āl Qurād, Mash'al 'Abd Allāh and Robin, Christian Julien (2025), "The Appropriation of Land by King Abraha at Ḥimā in Saudi Arabia," *Semitica et Classica* 18: 231-236.
25. al-Bāriqī, Zāhir 'Āṭif and Robin, Christian Julien (2025), "Fragment of a Ḥimyarite Inscription Commissioned by King Abraha, with the Hypothetical Mention of Elephants," *Semitica et Classica* 18: 295-300.
26. Beck, Daniel (2018), *Evolution of the Early Qur'ān. From Anonymous Apocalypse to Charismatic Prophet*, New York: Peter Lang.
27. Beeston, Alfred Felix Landon (1976), *Warfare in Ancient South Arabia (2nd-3rd Centuries A.D.)*, London: Luzac.
28. Blachère, Régis (1949), *Le Coran, traduction nouvelle*, Paris: Maisonneuve.
29. Bowersock, Glen W. (1988), "The Three Arabias in Ptolemy's Geography," pages 47-53 in P.-L. Gatier, B. Helly and J.-P. Rey-Coquais (eds.), *Géographie historique au Proche-Orient (Syrie Phénicie, Arabie, grecques, romaines, byzantines)*, Paris: Editions du CNRS.
30. Conrad, Lawrence I. (1987), "Abraha and Muḥammad: Some Observations Apropos of Chronology and Literary *topoi* in the Early Arabic Historical Tradition," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 50/2: 225-240.
31. Crone, Patricia (1987), *Meccan Trade and the Rise of Islam*, Princeton: Princeton University Press.
32. Daghfous, Radhi (1995), *Le Yaman islāmique des origines jusqu'à l'avenement des dynasties autonomes (Ier-IIIème s./VIIème-IXème s.)*, Tunis: Université de Tunis.
33. Darles, Christian, Robin, Christian Julien and Schiettecatte, Jérémie (2013), "Contribution à une meilleure compréhension de l'histoire de la digue de Ma'rib au Yémen," pages 9-70 in F. Baratte, Ch. J. Robin and E. Rocca (eds), *Regards croisés d'orient et d'occident. Les barrages dans l'antiquité tardive*, Paris: Éditions de Boccard.
34. Gajda, Iwona (2009), *Le royaume de Ḥimyar à l'époque monothéiste. L'histoire de l'Arabie du Sud ancienne de la fin du IVe siècle de l'ère chrétienne jusqu'à l'avènement de l'Islam*, Paris: Académie des Inscriptions et Belles-Lettres.
35. Ginsberg, Harold Louis (2007), "Messiah," in Fred Skolnik and Michael Berenbaum (eds.), *Encyclopaedia Judaica*, Second Edition, Vol. 14. New York: Thomson Gale.
36. Jeffery, Arthur (1938), *The Foreign Vocabulary of the Qur'ān*, Baroda: Oriental Institute.
37. Kister, Meir J. (1965), "The Campaign of Ḥulubān. A New Light on the Expedition of Abraha," *Le Muséon* 78: 425-436.

38. Kister, Meir J. (1972), "Some reports concerning Mecca from Jāhiliyya to Islam," *Journal of the Economic and Social History of the Orient* 15: 61-93.
39. Kropp, Manfred (1991), "Abreha's Names and Titles: CIH 541, 4- Reconsidered," *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies* 21: 135-145.
40. *Martyrdom of Arethas* (2007), *Le martyre de saint Aréthas et de ses compagnons. Edition critique*, edited by M. Detoraki, translated by J. Beaucamp, Paris: Association des amis du Centre d'histoire et civilisation de Byzance.
41. Müller, Walter W. (2010), *Sabäische Inschriften nach Ären datiert. Bibliographie, Texte und Glossar*, Wiesbaden: Harrassowitz.
42. Nebes, Norbert (2004), "A New 'Abraha Inscription from the Great Dam of Mārib," *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies* 34: 221-230.
43. de Prémare, Alfred-Louis (2000), "'Il voulut détruire le Temple'. L'attaque de la Ka'ba par les rois yéménites avant l'islam. *Aḥbār et Histoire*," *Journal asiatique* 288: 261-367.
44. Procopius (1914), *History of the Wars, Books I and II*, with an English translation by H. B. Dewing. Cambridge: Harvard University Press and London: William Heinemann Ltd. Reprinted 1932, 1954, 1961.
45. Pseudo-Zachariah (2011), *The Chronicle of Pseudo-Zachariah Rhetor. Church and War in Late Antiquity*, edited by G. Greatrex, translated by R. Phenix and C. Horn. Liverpool: Liverpool University Press.
46. Robin, Christian Julien (2010), "L'Arabie a la veille de l'Islam. La campagne d'Abraha contre la Mecque ou la guerre des pèlerinages," pages 213-242 in J. de la Genière, A. Vauchez and J. Leclant (eds), *Les sanctuaires et leur rayonnement dans le monde méditerranéen de l'Antiquité à l'Époque Moderne. Actes du 20e colloque de la Villa Kérylos à Beaulieu-sur-Mer les 9 et 10 octobre 2009*, Paris: De Boccard.
47. Robin, Christian Julien (2015), "La Grande Église d'Abraha à Ṣan'ā'. Quelques remarques sur son emplacement, ses dimensions et sa date," pages 105-129 in V. Christides (ed.), *Interrelations Between the Peoples of the Near East and Byzantium in Pre-Islamic Times*, Córdoba: Oriens Academic, 2015.
48. Robin, Christian Julien (2018), "Les expéditions militaires du roi Abraha dans l'Arabie désertique dans les années 548-565 de l'ère chrétienne," *Comptes rendus des séances de l'Académie des Inscriptions et Belles-Lettres* 162/3: 1313-1376.
49. Robin, Christian Julien (2019), "Les calendriers de l'Arabie préislamique," *Jerusalem studies in Arabic and Islam* 46: 1-65.
50. Robin, Christian Julien (2023), "Abraha, Myth or Reality?" a lecture presented on Feb. 6th, 2023, al-Kuwait: Dar al-Athar al-Islamiyya.
51. Robin, Christian J. and Antonini de Maigret, Sabina (2017), "Le cheval dans l'Arabie méridionale antique," *Arabian Humanities* 8: 1-79.
52. Robin, Christian J. and Ṭayrān, Sālim A. (2012), "Soixante-dix ans avant l'Islam: l'Arabie toute entière dominée par un roi chrétien," *Comptes rendus des séances de l'Académie des Inscriptions et Belles-Lettres* 156/1: 525-553.

53. Rubin, Uri (2011), *Muhammad the Prophet and Arabia*, London and New York: Routledge.
54. Ryckmans, Jacques (1963), "L'apparition du cheval en Arabie ancienne," *Ex Oriente Lux* 17: 211-226.
55. Sayed, 'Abdel Monem (1988), "Emendations to the Bir Murayghan Inscription Ry 506 and a New Inscription from There," *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies* 18: 131-143.

